



رهنمودهای امام در هفته‌های پر تلاطم

در هفته‌ای که گذشت امام خمینی در اوضاع متلاطم کنونی که ضدانقلاب به تشدید توطئه‌های خویش پرداخته است ضمن ایراد سخنرانی‌ها و انتشار اعلامیه‌هایی در راه گشائی از این مرحله انقلاب قاطعیت و هوشیاری خویش را در حفظ استقلال و تمامیت ارضی میهن عزیزمان ایران در مقابل توطئه ابر قدرت‌ها نشان دادند.
سرکوب قاطع ضدانقلاب

با عریان شدن توطئه‌های دوا بر قدرت در کردستان و درگیری مسلحانه حزب دموکرات کردستان با قدرت حاکمه ضد امپریالیستی و مترقی ما، مسأله پاسداری از انقلاب بصورت یک مسئله جدی در مقابل رهبری انقلاب قرار گرفت. امام خمینی با افشای توطئه ابر قدرت‌ها و عاملان در کردستان و باتکیه به نیروی لایزال انقلابی توده‌ها دست به یک بسیج عمومی زد و اعلام کرد که "آنها که ملکات مارانجات دادند همین توده و جمعیت

است".
با فرمان بسیج عمومی قوای ارتش و پاسداران توده‌های وسیع مردم در سراسر کشور جان به کف در راه انقلاب قدم به جلو نهادند و پیشقدم گردیدند.

افشای نشریات وابسته
در این هفته مبارزه بخاطر پاکسازی مطبوعات و افشای توطئه‌های مطبوعات وابسته کماکان ادامه داشت و بر خورد‌های قاطع امام خمینی در این مورد نیز توانست توده‌های وسیع تری از مردم را نسبت به ماهیت این مبارزه آشنا سازد.

امام خمینی در این مورد گفتند: "شما به همه مقدسات ما توهین کردید و در عین اینکه با حکومت آنطور رفتار کردید و با اسلام اینگونه رفتار کردید به شما تعرض نشد و سپس ادامه سخنان خود اشاره میکنند که "شما اشخاصی هستید که با خارج رابطه دارید".
بقیه در صفحه ۴

شهادت حاج مهدی عراقی



حاج مهدی عراقی هفته هاشمی بعد از انقلاب در کوره پزخانه محمودآباد تهران

شهید حاج مهدی عراقی و فرزندش حسام (محمد) عراقی با زندگی سراسر مبارزه و بیگانه خویش در سبای بی‌شماری را برای مردم خویش جای گذاشتند. شهید حاج مهدی عراقی نمونه مبارزه قهرآمیز علیه ضد خلق، نمونه بارز مقاومت و پایداری انقلاب علیه ضد انقلاب در سختی‌ها و مشکلات بود.

زندانی طولانی، شکنجه و احکام اعدام از وفاداری حاج مهدی به انقلاب و جنبش اسلام مبارزه تنها ذره‌ای نکاست بلکه صدها برابرش ساخت.

حاج مهدی عراقی بعد از شهریور ۲۵ درس را رها کرد و به مبارزه در راه خلق پرداخت و در کنار فدائیان اسلام و نواب صفوی راه مبارزه قهرآمیز علیه ضدانقلاب را در پیش گرفت، شهید حاج مهدی عراقی در مبارزات طلی کردن نفت صیقلیده شرکت جست و با برادران فدائی خود دست به اعدام رزم آرا که او را سدی در مقابل مصدق می‌دانستند زدند.

برای او که در سال ۱۳۳۵ اولین تجربه زندان را گذرانده بود خطرها و سختی‌ها هیچ حساب نمی‌آمد، بهین دلیل با روحیه‌ای انقلابی تر در آغاز قیام خرداد ۱۳۴۲ در سال ۱۳۴۱ به میدان مبارزه با نهاد و در آن زمان عضو شورای مرکزی جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی گشت و تا پیش از بهمن ۱۳۴۲ دو مرتبه بگبار در قزوین و یکبار در تهران به

مسئله کردستان و انقلاب ایران

چپ‌نماها و کردستان ایران مسئله ارضی و جنبش دهقانی در کردستان

نگاهی به تاریخچه کردستان ایران

بین ضدانقلاب، منحرفین و توده‌های مردم تمایز گذاریم

کردستان منطقه وسیعی از خاک حاصلخیز غرب ایران را در بر می‌گیرد که خصوصیات عمده ای و روابط فتودالی هنوز در آن حکمفرماست.
در این منطقه اساساً "اصلاحات ارضی انجام نگرفته و فئودالها و خان‌های کرد از دیر باز یکی از پادشاهان محکم رژیم طاغوت بودند و درست بعلت وجود روابط پوسیده فئودالی، بیش از سایر نقاط ایران برده‌فئودالان این منطقه ظلم روا داشته‌اند.
بعلت حساسیت منطقه، رژیم طاغوت نه تنها فئودالهای محلی را تضعیف نکرد بلکه تقویت هم کرد چون آنها پیش از هر نیروی دیگری می‌توانستند مانع طبقه حاکم را که خود بخشی از آن بودند، در منطقه حراست

فرصت طلبی مرض مهلکی در مارکسیسم است. فرصت طلبی چپ مرض مهلکی است که در زمان کوتاهی مریض را می‌کشد. فرصت طلبی چپ که پس از پیروزی انقلاب فرصتی یافت تا رشد و نمو کند، امروز در کردستان تمام شرایط را برای مرگ خود فراهم دیده است. هم زمینه تئوریک بوجود آورده و هم میدان عمل باز نموده تا تئوریهایی آن مورد آزمایش قرار گیرند.
۱- تئوری "دولت ارتجاعی بازگان و وابسته به بیگانه" که توسط سازمان چریکهای فدائی خلق عنوان شد و در این مدت استراتژی و تاکتیک این سازمان بر روی آن قرار گرفت بی شک در عمل هم به مبارزه مسلحانه علیه آن منجر می‌گردد. منظور صاحبان این نظریه از "بیگانه" هم امریکاست. یعنی حکومت ملی بازگان که

جنبشی خلق کرد پاسی در گذشته های بسیار دور دارد، از فتح بیت المقدس و صلاح الدین ایوبی گرفته تا گشکشیهای امپراطوری های عثمانی و صفوی که باز تاریخ کردها به چشم می‌خورد. صفویه با دستاویز قرار دادن مذهب تشیع و بکار بردن شیوه‌های خشک و متعصبانه کردها را که سنی مذهبند اذیت و آزار می‌کرد و با وجودیکه کردها همواره خود را به ایران نزدیکتر می‌دانستند لیکن با سیاست دوستی که امپراطوری عثمانی در قبال کردها در پیش گرفته بود آنها را به طرف خود جلب می‌نمود.
با عقد عهد نامه بین شاه عباس و سلطان مراد عثمانی، کردستان بین ایران و امپراطوری عثمانی تقسیم می‌شود.

این روزها هرج و مرج و تلاطم در صحنه سیاسی کشور ما به اوج گیری نوبینی رسیده است. خشونت مبارزه‌ی انقلابی به خاطر باز کردن راه خود به جلو از یک سو و توطئه‌های ابر قدرت‌ها و عاملان، وجود سر سخنان ضد کمونیست و ضد اسلام مبارز و وجود چپ‌نماها از سوی دیگر، چون سدی در برابر پیش روی انقلاب ایستاده‌اند.
در مقابل خلقهای میهن ما سئوالات فراوانی مطرح گردیده است: چرا پیشروی انقلاب دچار اشکال است؟ چرا دولت و مسئولین نتوانستند انقلابی عمل نمایند؟ چرا به جای نظم انقلابی هرج و مرج دامن گسترده؟ چرا تضادهای بین مردم دائماً رو به حاد شدن است؟ چرا در میان مردم و نیروهای سیاسی آنها چنان چند دستگی و آشفتگی فکری و عملی موجود است؟ و دهها سئوال دیگر.

به نظر ما علت اساسی و در عین حال فوری و بلا واسطه که ابر قدرت‌ها و دیگر عوامل هرج و مرج مجال یافته‌اند تا جلو پیشروی انقلاب را بگیرند، این است که انقلاب نتوانسته دقیقاً "صف دوست و دشمن را مشخص نماید. دوستان حقیقی را متحد ساخته و علیه دشمنان واقعی مبارزه کند. درست‌به همین خاطر در صوف در کردستان انقلاب، اختلافات، ... کرده ... صفحه ...

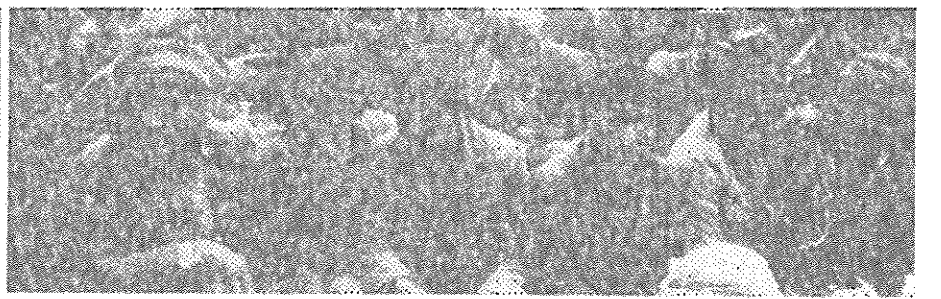


را مشخص نماید. دوستان حقیقی را متحد ساخته و علیه دشمنان واقعی مبارزه کنند. درست به همین خاطر در صفوف دوستان انقلاب اختلاف بروز کرده و صفوف ضد انقلاب از یک سو توسعه یافته و از سوی دیگر شیوه های تمایز گذاری برای سر کوب ضد انقلاب بکار برده نشده است.

ضد انقلاب کیست؟ این سوالی بزرگ و اساسی است که باید از خود بکنیم. برای بقیه در صفحه ۲

خلق کرد نیز به خوبی به چشم می خورد. در دهه اول قرن بیستم یک جنبش دموکراتیک ملی، جنبی اعلا یافته در میان خلق کرد آغاز می شود که مستقیماً تحت تأثیر جنبشهای آزادیبخش ملی در ترکیه، روسیه تزاری و ایران و خصوصاً انقلاب اکتبر روسیه است.

بعد از جنگ جهانی اول امپریالیستها خاور میانه را به کشورهای کوچک تحت نفوذ بقیه در صفحه ۲



زمان عضو شورای مرکزی جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی گشت و تا پیش از بهمن ۱۳۴۲ دو مرتبه یکبار در قزوین و یکبار در تهران به زندان دزخیان افتاد. در ترور منصور همراه با برادران انقلابی خویش حاج صادق امانی، محمد بخارائی و فعالان شرکت داشت، در این هنگام او دستگیر می شود و دزخیان شاه او را به اعدام محکوم کردند و بقیه در صفحه ۲

نگاهی به کارنامه چندماهه چریکهای فدائی خلق

مرسی دست دهد و با چند یا حدیثی بحرانی شد و یک بار دیگر سازمان چریکهای فدائی خلق مسئله آخرین انقلاب ما گشت. می گوئیم "مسئله آخرین". آیا این عبارت گویای واقعیات است؟ ما فکرمی کنیم هست. چرا؟ باید نگاهی به گذشته ها انداخت تا بتوان جواب این سوال را داد. به گذشته های زیاد دور کاری نداریم. قبل از انقلاب همه مبارزین ایران چریکهای فدائی را می شناختند و حماسه مقاومت های آنان را در زیر شکنجه جلا دان امپریالیسم در ایران دیده و یا شنیده بودند. آنها خوب مقاومت کردند و حقاً "اکثراً" در صحنه نبرد هم خوب جنگیدند. اما مبارزات آنها نتوانست کمک چندانی به پیشبرد جنبش انقلابی بکند. چرا؟ چونکه آنها از توده ها جدا بودند و همانطور که حالا خود اعلام داشته اند همیشه "نقش سلاح را مقدم بر نقش توده ها گرفته بودند".

در تمام طول سالهای مبارزه مخفی با رژیم دست نشانده شاه آنها خود را با سلاحهایشان سرگرم کردند و دور از توده های وسیع خلقی در مخفی گاههایشان نشستند تا بقیه در صفحه ۶

یک بار دیگر گوشه ای از ترسین ما دچار بحران شد و یک بار دیگر سازمان چریکهای فدائی خلق مسئله آخرین انقلاب ما گشت. می گوئیم "مسئله آخرین". آیا این عبارت گویای واقعیات است؟ ما فکرمی کنیم هست. چرا؟ باید نگاهی به گذشته ها انداخت تا بتوان جواب این سوال را داد. به گذشته های زیاد دور کاری نداریم. قبل از انقلاب همه مبارزین ایران چریکهای فدائی را می شناختند و حماسه مقاومت های آنان را در زیر شکنجه جلا دان امپریالیسم در ایران دیده و یا شنیده بودند. آنها خوب مقاومت کردند و حقاً "اکثراً" در صحنه نبرد هم خوب جنگیدند. اما مبارزات آنها نتوانست کمک چندانی به پیشبرد جنبش انقلابی بکند. چرا؟ چونکه آنها از توده ها جدا بودند و همانطور که حالا خود اعلام داشته اند همیشه "نقش سلاح را مقدم بر نقش توده ها گرفته بودند".

در تمام طول سالهای مبارزه مخفی با رژیم دست نشانده شاه آنها خود را با سلاحهایشان سرگرم کردند و دور از توده های وسیع خلقی در مخفی گاههایشان نشستند تا بقیه در صفحه ۶

اطلاعیه سازمان انقلابی

صبح روز یکشنبه چهارم شهریور عمال ضد انقلاب با یک ترور خائنه حاج مهدی عراقی از مبارزین با سابقه فدائیان اسلام و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و فرزندش حسام عراقی را به شهادت رسانده و حاج حسین مهدیان سرپرست کیهان را زخمی نمودند. ما شهادت آنها را به حضور امام خمینی و خانواده داغدارشان تسلیت می گوئیم.

امروز دوا بر قدرت امریکا و شوروی و عمال آنها و بقایای رژیم سرنگون شده شاهنشاهی سابق و صهیونیستهای جنایتکار از طریق جیره خواران شناخته شده خویش یک تلاش ضد انقلابی را تحت پوشش دفاع از حقوق ملی کرد. در کردستان ایران به پا داشته اند و درست هنگامی که به فرمان امام خمینی همه ملت ایران و منجمله مبارزین کرد برای سرکوب ضد انقلاب در کردستان به حرکت در آمده اند، ترور مبارزینی چون حاج مهدی عراقی برای ایجاد اخلال در این حرکت صورت می گیرد.

هدف این ترور و جنایاتی از این قبیل از میان برداشتن مبارزین فعال ضد دوا بر قدرت، دامن زدن به بلوا و آشوب، ایجاد نفاق و چند دستگی و بالاخره منحرف کردن و یا سد کردن پیشرفت انقلاب اسلامی ایران است. آنها می خواهند با این ترورها به جای آنکه صف متحد خلق علیه ضد انقلاب متوجه باشد به جان خود بیافتد.

هم میهنان، ما ضمن محکوم کردن شدید این جنایت جدید ضد انقلاب، از همه ملت دعوت می کنیم تا بر اتحاد و یکپارچگی خود بیافزایند، اتحاد بزرگ ملی از اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی را هر چه استوارتر بوجود آورند، به حمایت و پشتیبانی از مشی استوار امام خمینی در مبارزه با ضد انقلاب وابسته به دوا بر قدرت و صهیونیسم برخیزند و با تمام قدرت در این جهت به پیش روند.

خون شهیدان جدید اراده ما و اتحاد ما را استوارتر خواهد ساخت و ضد انقلاب هر چه بیشتر توطئه کند خلق ما آگاه تر و مصمم تر خواهد شد.

دفتر سیاسی سازمان انقلابی

مصاحبه دکتر یزدی ایران و کنفرانس غیر متعهدها

وزیر امور خارجه ایران آقای دکتر ابراهیم یزدی، روز یکشنبه در رأس هیئتی برای شرکت در کنفرانس کشورهای غیر متعهد به "هاوانا" عزیمت نمودند. وی قبل از حرکت سخنانی اظهار داشت که ما در زیر بخشهایی از آنها نقل می کنیم. او گفت:

"شرکت ما در کنفرانس کشورهای غیر متعهد که بحق یک مجمع جهانی مهم و معتبر است هم برای ما و هم برای کشورهای عضو جنبش از اهمیت بسیاری برخوردار است سیاست ملی ما همواره مبتنی بر بی طرفی و عدم تعهد در برابر قدرتها و رقابت های جنایت های جنگ سرد در دنیا بوده است. بنابراین برای نخستین بار انقلاب ایران امکان می یابد تا خود را به جهانیان بشناساند. از سوی دیگر این کنفرانس بجا فرصت می دهد تا ارزشهای انقلاب اصیل خود را به دنیا معرفی کنیم."

دکتر یزدی در قسمتی دیگر از سخنان خود اظهار داشت:

"در جنبش غیر متعهدها کشورهایی عضویت دارند و فعالیت می کنند که بدرستی غیر متعهد نیستند و وظیفه کشورهای علاقه مند به آرمانهای جنبش است که این کشورها را از گرایش به چپ و راست باز دارند و از نفوذ و حضور ابر قدرتها بر فضای جنبش جلوگیری بعمل آورند."

بنابراین شرکت فعالان ایران در این کنفرانس کمک موثری به حفظ اصالت و یکپارچگی غیر متعهدها به معنی واقعی کلمه و با توجه به فلسفه حقیقی آنست.

دکتر یزدی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد که "جنبش غیر متعهد را یک جنبه و نیروی تازه ای در برخورد با ابر بقیه در صفحه ۵

تصفیه مطبوعات باید همراه با تمایز گذاری باشد

همه گدسه دادسان انقلاب اسلامی مرکز دستور توقیف حدود ۲۵ روزنامه و مجله را صادر نمود. به دنبال آن دادستان انقلاب و همچنین وزارت ارشاد ملی اعلام نمودند که تعداد دیگری از نشریات نیز در دست بررسی است تا درباره امکان یا عدم امکان انتشار آنها تصمیم گرفته شود.

انتشار نشریات و مطبوعات کشور باید دارای اصول و ضوابط مشخصی باشد و این امری درست است که باید مورد پشتیبانی نیروهای سیاسی قرار گیرد. ایجاد نظم انقلابی به طوریکه به ادامه و تعمیق انقلاب خدمت کند و جلوی هرج و مرج را بگیرد، همه گدسه دادسان انقلاب اسلامی مرکز دستور توقیف حدود ۲۵ روزنامه و مجله را صادر نمود. به دنبال آن دادستان انقلاب و همچنین وزارت ارشاد ملی اعلام نمودند که تعداد دیگری از نشریات نیز در دست بررسی است تا درباره امکان یا عدم امکان انتشار آنها تصمیم گرفته شود.

انتشار نشریات و مطبوعات کشور باید دارای اصول و ضوابط مشخصی باشد و این امری درست است که باید مورد پشتیبانی نیروهای سیاسی قرار گیرد. ایجاد نظم انقلابی به طوریکه به ادامه و تعمیق انقلاب خدمت کند و جلوی هرج و مرج را بگیرد،

دستگیری نظامی روسی در افغانستان

سوسیال امپریالیسم شوروی با فرستادن مستشار و هواپیماهای میگ و هلیکوپتر و بمباران قریه ها و کشتار خلق افغانستان در راهی قدم گذاشته که آمریکا در ویتنام و کامبوج و فرانسه در الجزایر قدم گذاشته بودند. ولی شوروی باید بداند وی نیز چون بقیه امپریالیستها در مقابل طوفان انقلابی خلقهای تحت ستم جهان تاب نمی آورد و پوشش نام سوسیالیسم برای وی و رژیمهای دست نشانده اش بهیچ وجه ماهیت امپریالیستی و غاصب آنها را از نظر خلقهای جهان پوشیده نمی دارد.

حبرکاری فرانسه گزارش داد که در جریان انقلاب خلق افغانستان بر علیه رژیم دست نشانده "نور محمد تره کی" چهار مستشار روسی بوسیله مجاهدین دستگیر و یک هلی کوپتر ساخت روسیه و ۱۹ آتشبار بدست مجاهدین افغانی افتاده است.

در حالیکه سوسیال امپریالیسم شوروی همواره دخالت مستقیم خود را در افغانستان انگو میکند، این خبر برگ دیگری از تجاوز این ابر قدرت امپریالیستی را در افغانستان آشکار می کند.

بین ضد انقلاب...

معین کردن ضد انقلاب، باید صف دوست و دشمن را مشخص نمائیم.

دشمنان انقلاب کیستند؟

دشمنان عمده انقلاب ما را دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و عاملان تشکیل می دهند. اوضاع قبل از انقلاب با بعد از انقلاب تغییر اساسی کرده است، قبل از انقلاب از میان دو امپریالیسم تمرکز حمله می بایستی روی آمریکا می بود زیرا نقش حامی و پشتیبان اصلی رژیم شاه را بازی می کرد، در حالی که امریالیسم روسی در مبارزه علیه شاه و آمریکا با سرنگونی آنها استقرار یافته و به آمریکا ضربه می هملگی وارد شده است. بر عکس ابر قدرت شوروی نه تنها در جریان انقلاب لطمه ای نخورده است بلکه درست به خاطر از میدان در رفتن رقیبش، وضع بهتری بدست آورده و به خاطر اینکه در سطح جهانی هم آمریکا هر روز در برابر امپریالیسم شوروی عقب می نشیند، در نتیجه از میان دو ابر قدرت کفه ترازو به سود شوروی چربیده است.

هر دو ابر قدرت دشمن ما هستند و به همین دلیل شعار نه آمریکا، نه روسیه ایرانی مستقل و منتهی به خود درست است. اما در اوضاع کنونی هستند کسانی که مثل سابق عمل می کنند دشمن اصلی و عمده را هنوز آمریکا می دانند و شوروی را "دوست مردم ایران معرفی می کنند. این کسان به چند دسته تقسیم می شوند:

۱- عمال شوروی که طبعاً "وظیفه ای جز پیشبرد مقاصد این ابر قدرت در ایران ندارند. آنها به وضوح و با بی شرمی تمام علناً از شوروی به عنوان "دوست مردم ایران دفاع می کنند. آنها آگاهانه عمل نموده و بی شک جزو دشمنان انقلاب محسوب میشوند. دار و دسته کیانوری و سرمایه داران بزرگ بوروکرات و خصوصی که موافق بسط و توسعه نفوذ شوروی در ایران هستند از آن جمله اند.

۲- طرفداران شوروی آنها هستند که بر اثر ظاهر سوسیالیستی شوروی، هنوز به ماهیت واقعی این ابر قدرت سلطه جو بی نبرده اند. آنها اساساً طرفدار سوسیالیسم اند و تحت ثیر تحریفات رویزیونیستها به سرگردگی شوروی و تبلیغات وسیع آنها، و سابقه گذشته شوروی طرفدار شوروی میباشند. اینها گمراه اند نه دشمن انقلاب و باید از طریق کار توضیحی و به شیوه دگرانتیک در جریان کار و با دید طولانی تدریجاً این اشتباه آنها را رفع کرد.

۳- کسانی که به خطر شوروی کم بها می دهند. اینها طیف وسیعی را در کشور ما تشکیل می دهند.

بعضی ها هستند که خود را مارکسیست-لنینیست می دانند و موضع ضد رویزیونیستی هم اتخاذ نموده اند. اما با این ارزیابی

را "مرگ بر ارتجاع" معنی می کند این انحراف این روزها تا بجائی رفته است که شعار مبارزه مسلحانه علیه دولت و جمهوری اسلامی را می دهد. این هم یکی دیگر از عوامل هرج و مرج است.

منحرفین این مسمی به دو دسته تقسیم می شوند - آنهاست که نا آگاهانه دچار اشتباهند و باید با کار توضیحی در میان آنها، قدم به قدم آنها را به اشتباهاتشان آگاهی داد و آنهاست که آگاهانه عمل می نمایند.

اینها بی پرو برگرد عوامل امپریالیسم هستند و در خدمت آنها عمل می کنند از آن جمله هستند عوامل امپریالیسم روس که تلاش دارند زیر نام "مترقی" و "ارتجاعی" جبهه ی خلق را به دو دسته تقسیم کنند تا سیاست تفرقه انداز و حکومت کن دیرینه ی امپریالیستی را به اجرا در آورند. مبارزه علیه این عوامل وابسته که زیر پوشش "مترقی" و "چپ" به میدان آمده اند ضروریست و تا این مبارزه به طور همه جانبه پیروزی نرسد، امر انقلاب ما به خوبی جلو نخواهد رفت.

انحراف دیگر، جدا کردن مبارزه برای بدست آوردن حقوق ملی از مبارزه ی مشترک تمام خلقهای ایران علیه امپریالیسم به ویژه دو ابر قدرت و عاملان است. این انحراف هم رابطه ی فشرده ای با انحراف اول دارد، تضاد عمده را دولت جمهوری اسلامی تلقی کرده و در نتیجه به جای اینکه کسب حقوق ملی را در رابطه با مبارزه علیه دو ابر قدرت ببینند، کسب حقوق ملی را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی می دانند و در این رابطه تا حدی جلو می رود که متحد شدن و کسب پشتیبانی از ابر قدرت آمریکا یا شوروی را هم مجاز می شمارد.

انحراف از سوی دیگر هم موجود است، در مبارزه علیه ابر قدرت ها و عاملان میان نیرو هائی که علیه آنها هستند و نیرو هائی که با آنها هستند تفاوتی گذاشته نمی شود، معیار اسلام گذاشته می شود در حالی که معیار واقعی باید ملی بودن یا وابسته بودن باشد.

اینها به جای بکار بردن معیار سیاسی، معیار ایدئولوژیک را بکار می اندازند، بجای شعار ضد امپریالیستی، شعار ضد کمونیستی را مطرح می کنند و در نتیجه در درون خلق و نیرو های استقلال خواه اخلال بوجود می آید. در صفوف خلق و نیرو های سیاسی آن ایدئولوژی های متفاوت موجود است، در حالی که در سیاست و در عمل می توانند با هم متحد شوند و مبارزه کنونی را متحداً "به پیش برند. عدم تمایز گذاری دقیق میان دوست و دشمن با معیار سیاسی و بکار بردن معیار مذهبی و یا ایدئولوژی لطمه به وحدت بزرگ ملی زده و می زند. این عمل باعث می شود که نتوانیم اوضاع حقیقی را با هم علیه دشمن واقعی متحد ساخت.

از سوی دیگر بعضی ها از به اصطلاح جناح "چپ" هستند که آنها هم معیار

رنجبر

ضد انقلاب در کردستان مشتکی کوچکند، نباید دامنه ی حمله را وسیع کرد. خلق قهرمان کرد دشمن انقلاب نیست، نیروی محرکهای انقلاب و در صف دوست است.

در میان احزاب و سازمانهای سیاسی منطقه کردستان باید بین آنها که عمال امپریالیسم هستند و آنها که دچار "چپ" روی شده اند تمایز گذارد.

در حالی که باید با آنها که علیه جمهوری اسلامی دست به اسلحه برده و مسلحانه می جنگند در جنگ و در میان نیرو، مبارزه فاطح کرد و بی رحمانه متجاوزین را سرکوب کرد اما باید از هر گونه حمله بی پروا و گستاخانه به مناطقی که مردم هستند دوری جست و کوچکده که تا حد ممکن لطمه به مردم وارد نشود.

با اسیران باید سیاست مدارا و آموزش آنها را در پیش گرفت سیاست کشتار اسیران غلط است و محکوم به شکست، بعضی ها فکر می کنند که اگر پیشمرگه های اسیر را به جوخه آتش سپردیم کار درست می شود و ترس در دل دشمن زیاد می گردد. این طور نیست، نتیجه بر عکس خواهد بود.

در مبارزه ای که ماهیتا "بین صفوف خلق است و تنها بر اثر فتنه ضد انقلاب و رهبری خیانت آمیز حزب دمکرات و دار و دسته فاسطو خلق های ایران به جان هم افتاده اند ضروریست دقیق عمل گردد تا در عین سرکوب ضد انقلاب از هر گونه برادر کشی تا حد ممکن جلو گیری شود.

نگاهی به تاریخچه

و یا تحت حمایت خود تقسیم کردند، بسیاری از مبارزین کرد در این سالها دل به لطف امپریالیستها، که در گیر کنفرانسهای امپریالیستهای جهانخوار (کنفرانس صلح پاریس، عهد نامه سور، معاهده لوزان) بسته بودند. اما بعدها دیدند که علیرغم قولشان امپریالیستها متصرفات سابق عثمانی را به میل خود تقسیم کرده و خلق کرد نصیبی از "لطف" امپریالیستها نبرد.

پس از جنگ جهانی اول قیام های متعددی در کردستان به خاطر بدست آوردن استقلال ملی برآه افتاد اما هیچ کدام از این قیامها به ثمر نرسید چرا که به نیروی اکثریت خلق کرد یعنی دهقانان تکیه ننمود و در نانی به یک جنبش سراسری بدل نگردید.

در کردستان ایران در همین سالها یعنی سالهای ۱۳۰۹ - ۱۲۹۹ حرکتیابی وجود داشت که باز هم به دهقانان تکیه نکرد و تنگ نظریها و عدم تشخیص دوست و دشمن حتی به آنجا کشید که با مشروطه خواهان در جنگ افتادند، با آنها نه تنها پیوند بر قرار نکردند بلکه در تضاد نیز درگیر شد پایه طبقاتی این حرکتها نیز عمدتاً "در سطح عشائری باقی ماند. در کردستان ایران در سال های

بود اعدام گردید.

بعد از شکست جمهوری، جوانان انقلابی خلق کرد که در صفوف حزب دموکرات کردستان مبارزه می کردند در شرایط سخت به طور علنی و مخفی به مبارزه ادامه دادند، و با روی کار آمدن حکومت دکتر مصدق توانستند سرو صورتی به کار خود دهند، آنها کار در روستا را در دستور کار خود قرار دادند و به علت خیانتهای بی دربی رهبری حزب توده با آن قطع رابطه کردند.

در سال ۱۳۳۸ و ۱۳۴۲ دیویش بزرگ به حزب دموکرات کردستان انجام گرفت و تعداد زیادی از کادر ها و رهبران حزب دستگیر شدند. در این زمان دو جناح در حزب دموکرات کردستان به کار پرداخت اولی مخالف حزب توده بود و گرایش به چپ داشت، همین جناح کنگره دوم حزب دموکرات کردستان را در سال ۱۳۴۳ تشکیل داد.

مخالفتهایی از جانب اعضای انقلابی حزب دموکرات کردستان مثل شریف زاده و غیره موجود بود و آنها در کنگره شرکت نکردند. کنگره دوم حزب برنامه حزب را تدوین کرد که در مجموع دارای جوانب منفی بسیاری بود این برنامه به خوبی نشان می داد که باز تنگ نظریهای ناسیونالیستی حاکم بر برنامه است، وحدت خلقهای مختلف ایران به عنوان شرط اولیه آزادی خلق کرد نا دیده گرفته می شود، به دهقانان و زحمتکشان تکیه ندارد، آشتی طبقاتی در خلق کرد را تبلیغ می کند و مرز بندی فاطح و درست با امپریالیستها ندارد.

در زمان بعد از دو سرکوب چند روشنفکر کرد که در دانشگاه و دبیرستان درس می خواندند یا فارغ التحصیل بودند به امید وجود شورش در کردستان عراق و استفاده از آن به منابه پایگاه به عراق رفتند از آن جمله اسماعیل شریف زاده فرزند قهرمان خلق کرد و عبدالله معینی.

در این میان کادر های دیگر حزب دموکرات کردستان از قبیل سلیمان معینی، معروف به فائق، ملا آواره، قادر شریف، احمد توفیق، امیر قاضی و... در کردستان عراق به سر می بردند و یا به آنجا رفتند. این عده کمیته انقلابی حزب دموکرات کردستان را بوجود آوردند و با استفاده از پشت جبهه در عراق به ایران رفت و آمد می کردند و کار تشکیلاتی و تبلیغاتی خود را در کردستان ایران انجام می دادند، جناح راست و سازشکار که مورد حمایت ملا مصطفی بازرانی بود کم کم با نزدیک شدن بازرانی به شاه و شرکت کارشناسان ایرانی و اسرائیلی و ماموران سازمان امنیت که حتی گاهی رهبر عملیات پارتیزانی نیز می شدند به خیانت در غلطید، بازرانی از دولت ایران کمک مادی می گرفت، زخمی های او در بیمارستان های سردشت و گرمانشاه و تهران معالجه می شدند و با امپریالیسم آمریکا و شاه روابط دوستانه و خوبی بر قرار کرده بود. دولت ایران در

بیش از سه هزار نفر در کردستان سعید و زندانی می شوند.

با پیروزی انقلاب اسلامی میهن ما را امپریالیسم و به ویژه دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه. این دشمنان درجه اول خلق کرد ضربه سختی خوردند، دیگر قدره بندگان پهلوی نبودند تا زبانهای را که به کردی تکلم کند بیسند، دیگر گروه های تعقیب نبودند که فرزندان انقلابی خلق را به جوبه اعدام آویزان کنند. سازمانهای سیاسی خلق کرد باز به سازماندهی خود پرداختند و گروهها و احزاب گوناگون در سامان خلق کرد فعال شدند.

حزب دموکرات کردستان نیز خود را سرو سامانی بخشید و به احیاء سازمانهای خود بر خواست ولی این بار نه حزبی که قاضی ها و ملا آواره ها و شریف زاده ها در رأس آن قرار گیرند بلکه این حزب پایگاهی شد برای عناصر وابسته و مزدوری که راه خیانت در پیش گیرند، اگر حزب دموکرات کردستان به رهبری و شرکت فائق ها و شریف زاده ها با حزب توده قطع رابطه کرده بود امروز حزب دموکرات کردستان با این عاملین سوسیال امپریالیسم روس همکاری درخشانی دارد، اگر شعار کمیته انقلابی حزب دموکرات کردستان در سال ۱۳۴۷ خود مختاری کرد، استقلال ایران بود، شعار فاسطو خدمت به بیگانه است، خلق کرد با جمع بندی تاریخ خود و با بی بردن به ماهیت این رهبری که فعالیت کنونی اش تنها به ابر قدرت روس خدمت می کند، عناصر خائن عراقی را در خود می پرورد و در برابر صهیونیسم جهانی آسیب پذیر بود و شاید هم آسیب دیده باشد مطمئناً آنها را از خود طرد کرده و راه سرخ شهیدان به خون خفته اش چون شریف زاده ها و آواره ها را در پیش خواهد گرفت.

خلق کرد با جمع بندی از تاریخ خود دریافت است که هر گاه با انقلاب ایران در نیامیخت، هر گاه به راه و رسم پیشمرگه های به خون خفته اش نسبت به زحمتکشان غیر کرد احساس برادری نکرد، و هر گاه متحد با دیگر برادران فارس، آذربایجانی، بلوچ، ترکمن بر علیه دشمن مشترک و غدارش - امپریالیسم - مبارزه نکرد شکست خورده است. تاریخ جنبش خلق کرد نشان می دهد تنگ نظری در جنبش کردستان همواره باعث شکست جنبش گردیده است و عدم اتکا به دهقانان و گرفتن و قبضه کردن رهبری توسط خانها و فئودالها همواره از علل صدم شکست جنبش بوده است.

ما ایمان داریم خلق کرد دشمنان اصلی خویش دو ابر قدرت خونخوار و توطئه گر آمریکا و شوروی را خوب خواهد شناخت، ما ایمان داریم که خلق قهرمان کرد متحد با خلقهای ایران از فارس و ترکمن تا آذربایجانی و بلوچ دست کثیف مزدوران دو ابر قدرت آمریکا و شوروی را از سامان خود پاک خواهند

بعضی ها هستند که خود را مارکسیست-لنینیست می دانند و موضع ضد رویزیونیستی هم اتخاذ نموده اند. اما با این ارزیابی نا درست که رژیم جمهوری اسلامی با اصطلاح "وابسته به آمریکا است" و سلطه های امپریالیسم آمریکا به ویژه در زمینه اقتصادی در ایران هنوز پا بر جاست و در سطح جهانی هم قدرت آمریکا را هنوز در مقایسه با شوروی برتر می شمردند.

بعضی ها هستند که موضع ضد امپریالیستی داشته شوروی را یک کشور استعمارگر و سلطه طلب محسوب می دانند اما آنها هم تغییرات اساسی پس از انقلاب را هنوز کاملاً "به حساب نیاورده اند. و یا در مورد تاکتیک دچار اشتباهند. یعنی تصور می کنند الان درست نیست علیه شوروی کاری کرد، اول باید "کلک" آمریکا را خوب کند و بعد نوبت شوروی می رسد.

تاکتیک نا بودی یک بیگ دشمن بطور کلی درست است اما به طور مشخص از آنجا که شوروی در ایران در حال بر خاستن و تعرض است، و هوشیاری نسبت به آن کم است و مهمتر اینکه عمال آن در ایران فعالند در نتیجه هر گونه عدم توجه به خطر امپریالیسم شوروی و سیاست مبارزه با آن را در پیش نگرفتن و یاحتسی تلویحا "چنین وانمود کردن که شوروی دوست انقلاب کنونی ایران است، از حیثه های تاکتیک خارج بوده، سیاست مدارا جویانه در برابر دشمن محسوب می گردد.

اینها هستند انحرافات اساسی نسبت به دو ابر قدرت که دشمنان عمده ای انقلاب محسوب می شوند. و درست بر اثر این انحرافات است که مبارزه علیه آنها بخوبی جلو نمی رود. از سوی دیگر این انحرافات خود انحرافات دیگری را هم بدنال می آورد.

انحراف ارزیابی نا درست از ماهیت جمهوری اسلامی و آن را وابسته به امپریالیسم آمریکا ارزیابی کردن، نتیجه اش "چپ" روی در شکل و راست روی عینی واقعی است. این انحراف عملاً "تضاد عمده" بالا را در نظر نمی گیرد، آتش حمله را بروی رژیم حاکم کنونی می گذارد. ظاهر این شی چپ است، افشاگری می کند، تمام کمبودهای رژیم جمهوری اسلامی را بر ملا می سازد و روی صحن نا راضی ها سوار می گردد اما در عمل امپریالیسم را فراموش می کند. تضاد بین خلق و دشمن را با تضاد بین خلق جا بجا می کند، دومی را به عنوان تضاد عمده تلقی می نماید. امام خمینی را دشمن می داند، دولت بازگرا را "نوکر امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم" می خواند، و همه ای آنها را در مجموع ارتجاعی گفته و شمار عمده و اساسی

سوانگوسان حقیقی را با هم علیه دشمن واقعی متحد ساخت. از سوی دیگر بعضی ها از به اصطلاح جناح "چپ" هستند که آنها هم به عبار ایدئولوژی را بکار می برند، با اعلام بهر صورت مخالفت می ورزند، بین اسلام ضد امپریالیستی که در کشور ما جریان عمده و سلطه را در اوضاع کنونی تشکیل می دهد و اسلام قهری می تواند وسیله ای در دست طبقات وابسته و ارتجاعی قرار گیرد تمایز قائل نمی شوند و به اصطلاح جبهه ای ضد اسلامی را تقویت می کنند. اینها هم مثل بلائی ها دچار اشتباهند و جنگ داخلی را عملاً بوجود می آورند و تضادهای درون خلق را حاد می سازند.

علاوه بر اینها که سیاست های عمومی هستند، هر کس که می خواهد جنبش عملی انقلابی کشورمان را هدایت کند، هر کس که بخواهد حتی به عنوان نیروی کوچکی در مبارزات سیاسی کنونی شرکت نماید باید در زمینه های مشخص هم سیاست های مشخص، دقیق و کاملاً "تمایز گذاشته بکار برد.

مثلاً "دمکراسی برای همه و یکسان درست نیست. به جای دمکراسی دیکتاتوری باید برای طبقات سر نگون شده و عمال امپریالیسم اعمال کرده دمکراسی باید در حق زحمتکشان گسترش یابد و شرایط برای رشد و تکامل زندگی و مبارزه آنها فراهم آید. بدون دمکراسی واقعی برای زحمتکشان انقلاب کشور ما در نیمه راه از پیشروی به جلو باز خواهد ایستاد و بدون اعمال دیکتاتوری نسبت به طبقات سر نگون شده و وابسته به امپریالیسم - به ویژه امپریالیسم آمریکا و روس، آنها مجال خواهند یافت تا توطئه کنند و انقلاب را یا به انحراف کشانند و یا به شکست منجر سازند.

یا در زمینه بهبود رفاه زحمتکشان، در اینجا هم بین طبقات مختلف باید تفاوت گذاشت. نمی توان سیاست یکسان به نسبت به بهبود رفاه همه را در پیش گرفت زحمتکشان از همه بیشتر محتاجند و نیروی عمده و اساسی را تشکیل می دهند. باید تاکید را روی آنها گذاشت و از آنها شروع کرد. مابعدکرات در "رنجبر" در اهمیت حمایت سیاسی و مادی از زحمتکشان، دمکراسی برای آنها و کوشش برای بهبود وضع آنها صحبت کرده ایم و در اینجا دیگر تکرار نمی کنیم. آنچه ضروریست که (با توجه به اوضاع کردستان) در رابطه با تمایز گذاردن گفته شود درباره چگونگی برخورد به ضد انقلابیون و سیاست سرکوب آنهاست.

شعار حمله به کلیه جبهه ها به حمله به کلیه نیروهای گرد نه درست بوده و باز هم صف دوست و دشمن را بهم می زند.

پیوند برقرار نترند بلکه در تضاد نیز درگیر شد پایه طبقاتی این حرکتها نیز عمدتاً "در سطح عشائری باقی ماند. در کردستان ایران در سال های ۱۳۱۸ - ۱۳۲۱ یک سازمان کوچک تحت نام حزب آزادی کردستان به رهبری دکتر عزیز زندی تشکیل شد ولی فعالیت چشم گیری نداشت، بالاخره بعد از جنگ جهانی دوم پیشرفته ترین قیام، قیام خلق کرد در مهاباد به ثمر رسید.

این قیام که منجر به ایجاد جمهوری دموکراتیک مهاباد گردید در سر تا سر سال ۱۳۲۵ ادامه داشت.

تاریخچه این قیام بزرگ بدین ترتیب است: در سال ۱۳۲۱ سازمانی به نام گروهله یه ژبانهوه یه کوردکه معروف به کومهله یا ژ-ک بود تشکیل شد، این سازمان برای اولین بار در جنبش خلق کرد با سیستم فئودالی و خانها مبارزه کرد و در مجموع جنبشی مترقی بود، اما فقدان تئوری انقلابی و کم تجربگی مسئولین این سازمان باعث شد بعضی متنفذین در ژ-ک راه بیابند و ضربه های بعدی به جنبش خلق کرد را وارد سازند.

در هر صورت این سازمان هسته اصلی تشکیل دهنده حزب دموکرات کردستان در سال ۱۳۲۴ گردید، این حزب قاضی محمد را به صدارت و ریاست دولت جمهوری مهاباد که در سال ۱۳۲۵ تشکیل شده بود برگزید، با اینکه با تشکیل جمهوری دموکراتیک مهاباد کردستانی مستقل تشکیل گردید ولی از آنجا که این حزب نتوانست نقش دهقانان و کارگران را در مبارزه برای رفاه ملی در یابد و اساس کار خود را متکی به آنان به جلویبرد، تحت نفوذ سران و عشایر و دولتمدان کرد قرار گرفت.

شاه که در ابتدا در مقابل خلق قهرمان کرد عقب نشینی کرده بود در زمان نخست وزیری قوام السلطنه حمله به جمهوری دموکراتیک مهاباد در سال ۱۳۲۶ پرداخت و درست به علت عدم اتکاء قیام به نیروی دهقانان و کارگران، عدم پیوند با جنبش سر تا سری ایران، و عدم مرز بندی دقیق با امپریالیسم و عوامل آن، ارتش شاه موفق به پیشروی گردید، عشایر و فئودالها تسلیم طلبی را تبلیغ کردند، خانها خیانتت ورزیدند و مهاباد در روز ۲۴ آذر ۱۳۲۵ از طرف ارتش شاه اشغال شد، قاضی محمد در این میان پیشنهاد فرار به شوروی را رد کرد و گفت: "من باید در روزهای سخت به همراه خلق کرد باشم" و بالاخره این قهرمان خلقی کرد در روز ۱۰ فروردین ۱۳۲۵ در میدان "چورچرای" مهاباد جانی که روز ۱ خرداد ۱۳۲۵ در آن جمهوری اعلام شده

زخمی های او در بیمارستان های تهران و ساکرامنتو و تهران معالجه می شدند و با امپریالیسم آمریکا و شاه روابط دوستانه و خوبی برقرار کرده بود. دولت ایران در قبال این کمکها از بارزانی می خواست تا در کردستان "ایران به کمیته انقلابی حزب دموکرات کردستان اجازه فعالیت ندهد، و در صورت احتیاج پارتیزانهای خود را برای بقای سلطنت پهلوی به کمک ساواک بفرستد و بالاخره کردهای انقلابی و فرزندان قهرمان خلق کرد را که دلیرانه علیه شاه و امپریالیسم می جنگیدند تحویل دولت ایران دهد.

جناح انقلابی حزب دموکرات کردستان با یافشاری بروی مواضع انقلابی، با مرز بندی دقیق میان دوست و دشمن به ایران می آیند، توده های ستمدیده خلق کرد آنها را با استقبال خود تقویت می کنند و با وجود شرایط سخت گار یعنی فشار دولت ایران و امپریالیسم آمریکا از یکسو و فشار دولت عراق و شوروی و بارزانی از سوی دیگر سریعاً رشد می کنند این انقلابیون در عرض کمتر از یک سال بیش از ۲۵۰ پارتیزان بوجود می آورند ملاً آواره فرزند دهقانان خلق کرد، فائق روشنفکر انقلابی، شریف زاده روشنفکر انقلابی و عبداللہ مبینی هر یک فرمانده گروهی از پارتیزانهای انقلابی را به عهده می گیرند. بدین ترتیب مبارزه مسلحانه در کردستان ایران شکل کاملاً "تکامل یافته ای به خود می گیرد. انقلابیون خلق کرد که در این مبارزه شرکت می جویند نمونه ای از بهترین فرزندان خلقهای ایرانند، آنها با مبارزهای قاطع علیه خائنین به خلق کرد، باستمگیری درست و روشن به نفع دهقانان کرد، با مرز بندی روشن علیه رویزیونیسم خروشچنی، دولت عراق وابسته به شوروی، بازرانی خائن، مشعل فروزان جنبش می شوند.

از اواخر سال ۱۳۴۶ دولت ایران شروع به جمع آوری و تمرکز قوا در مناطق شورشی نمود، شاه با نقشه تطمیع توانست فقط محدودی خیانتکار را به سوی خود بکشد و اما اکثریت پیشمرگه ها وفا دار به خلق ماندند، با توجه به تقویت قوا و حملات گروههای تعقیب رژیم فاشیستی شاه پیشمرگه ها مرتباً زیاد می شدند، از اواسط بهار "گروه های تعقیب" باز هم فعال تر شدند و توسط همین گروههای جنایتکار اسماعیل شریف زاده شهید شد و فائق بدست بارزانی دستگیر و کشته شد و عبداللہ مبینی و مراد شمرهش دو فرمانده دیگر نیز در اثنای اوج عملیات در جنگ شهید شدند. و ملاً آواره در حالی که از پیشمرگه هایش دور مانده بود با سه نفر دیگر دستگیر و اعدام می شوند، بدین ترتیب جنبش فرماندهان خود را از دست می دهد و موج ترور آغاز می شود، در زمستان ۱۳۴۷ و

ایمان داریم که خلق قهرمان کرد متحد با خلقهای ایران از فارس و ترکمن تا آذربایجان و بلوچ دست کثیف مزدوران دو ابر قدرت آمریکا و شوروی را از سامان خود پاک خواهند کرد و با طرد رهبری خائن حزب دمکرات رهبری انقلابی خویش را از صفوف خود انتخاب کرده و بی هراس از مشکلات و سختیها در وحدت با سایر خلقهای ایران انقلاب را ادامه خواهد داد.

شهادت مجاهد

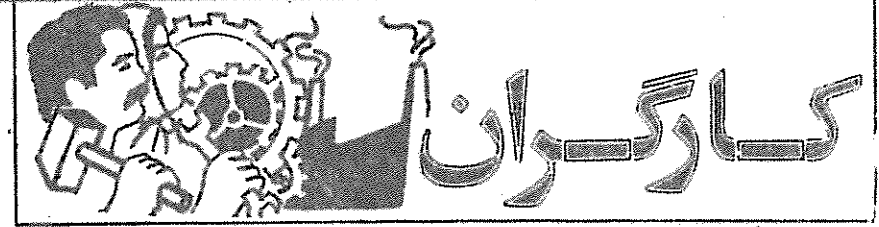
بعداو را با یک درجه تخفیف محکوم به حبس ابد ساختند، او با همزمانش که جعلگی اعدام گشته بودند عهد مقاومت و پایداری بسته بود و برآستی به این عهد و پیمان عمل نمود. ۱۴ سال زندان که حدود ۱۲ سال آن از ۱۱ بهمن ۱۳۴۳ تا ۱۵ بهمن ۱۳۵۵ بطور متداوم بود پایداری و مقاومت قهرمانانه او دلیل این مدعاست، او را بارها در طی زندان به نقاط بدآب و هوا از جمله برازجان تبعید کردند تا شاید مقاومتش را کاهش دهند، اما درخیمان از پایداری اسلام مبارز در راه خلق بی خبر بودند.

در سال ۱۳۵۵ از زندان آزاد شد و پس از آن همراه امام بود تا بایران بازگشت و عضویت شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی درآمد و مبارزه با ضد انقلاب را در این سنگر ادامه داد. فرزند او حسام (محمد) عراقی نیز همواره در کنار مردم بود، همراه آنان لخطه های خون و شهادت را به همراه سایر مبارزین انقلابی خلق پشت سر گذارده بود و مصمم به ادامه راه پدر مبارزش بود.

دست پلید ضدانقلاب که این دو تن مبارز را از دامن خلق جدا ساخت نابود باد. ما شهادت مجاهد حاج مهدی عراقی و فرزندش حسام را به فدائیان اسلام، حزب جمهوری اسلامی، جنبش اسلام مبارز، امام خمینی، بازماندگان آن شهدا و بالاخره کلیه میهنپرستان و استقلال طلبان ایران، تسلیم و تبریک می گوئیم.

حزب دمکرات

حقوق حقه خود، در وحدت با جمهوری اسلامی و مبارزه مشترک علیه امپریالیسم به ویژه دو ابر قدرت آمریکا و روسیه است که خواهد توانست به خواستهای ملی خود دست یابد و گرنه، جدا از سایر خلقهای ایران، تحت رهبری عناصر و سازمانهای منحرفی چون حزب دمکرات، جنبش ملی خلقی کرد منحرف گشته و بازبچه توطئه های عناصر وابسته و ضد خلقی خواهد شد.



ورسی کوتاه از

قطع نامه شوراهای سازمان

گسترش

بعد از انقلاب، ما در تمام مؤسسات تولیدی شاهد بوجود آمدن سندیکا ها و شوراهای مشترک کارگران و کارمندان بودیم. ما در شماره های قبلی رنجبر مقالاتی نوشتیم و گفتیم که شورای واقعی کارگران در مؤسسات تولیدی شورائی است که از وحدت کارگران و کارکنان اداری و فنی تشکیل شده باشد تا از این طریق بتواند عناصر وابسته به بیگانه در مؤسسات را از خود طرد نماید و در شکوفائی اقتصاد ملی نقش فعالی داشته باشد. ما شورا های صرفاً "کارگری" را در مؤسسات تولیدی رد کردیم و گفتیم کارگران باید مناسبات خود را با سایر اقشار خلق درست تنظیم کنند و در امر وحدت خلق پیشگام بوده و پرچم دار مبارزه با انحصار طبیبی و مشی های چپ نما که هم اکنون امراض جنبش ضد امپریالیستی ما هستند، باشند.

در تاریخ ۵۸/۴/۲۳ سومین مجمع عمومی نمایندگان شوراهای کارکنان شرکت های تابع و وابسته به سازمان گسترش و نو سازی صنایع ایران برگزار گردید. در این مجمع پس از چندین روز بحث و اقتناع و مبارزه بین نظرات درست و نا درست، قطعنامه های تصویب شد که حاوی نکات برجسته و مهمی است. ما در زیر در پرتو اصول استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به خاطر وحدت بزرگ خلق برای ادامه انقلاب این قطعنامه را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱ - مبارزه با امپریالیسم به خاطر استقلال کشور

قطعنامه با تاکید بر اینکه کلیه مؤسسات و سهام شرکتها باید به معنی واقعی ملی گردد و دست امپریالیستهای غرب و شرق از آنها بریده شود، نشان می دهد تا زمانی که ما نتوانیم اقتصاد ملی و متکی به خود بوجود آوریم، نخواهیم توانست استقلال سیاسی خود را در مقابل ابرقدرتها و امپریالیستهای دیگر تحکیم بخشیم. قطعنامه تشخیص درستی

قطعنامه با تاکید بر اینکه حقوق زنان کارگر با مردان کارگر یکی است، میرساند که کارگران ما درک روشنی از انقلاب دارند. آنان به خوبی می دانند زنان، خصوصاً زنان زحمتکش نیمی از نیروی انقلاب هستند و همانطور که در انقلاب پا بیای مردان شرکت جستند در ادامه انقلاب هم همدوش یکدیگر و از حقوقی مساوی با هم برخوردار میباشند. ما در شماره های پیشین رنجبر نشان دادیم که کارگران و کارمندان مؤسسات تولیدی نیروئی هستند که استقلال کشور را تأمین می کنند. اینها نیروئی هستند که نظم مؤسسات را در دست دارند. اینها نیروئی هستند که چرخهای تولید را در گردش می اندازند. قطعنامه با تاکید بر اینکه مؤسسات تولیدی باید از عناصر وابسته و عناصر ساواک پاک گردد، به "نیروی ویژه" بر خورد نموده و آن را مردود می شمارد. قطعنامه نشان می دهد، شورای انقلابی کارکنان تنها نیروئی است که میتواند در پاکسازی محیط کارخانه و حفظ نظم کارخانه عمل نماید.

۳ - رفاه خلق، عدالت اجتماعی

قطعنامه با تاکید بر میزان دستمزد مساوی برای زنان و مردان در مقابل کار برابر - رسمی شدن کارکنان و تأمین حقوق کارکنان پروژه های و موقت - حقوق برای ایام بیکاری و حقوق باز نشستگی برای همه کارگران - تأمین خدمات بهداشتی و درمانی مجانی و سایر وسایل رفاهی برای کارکنان و خانواده آنها - تأمین مسکن و رسیدگی به وضع کارگران معلول و از کار افتاده و ... نشان می دهد که رفاه زحمتکشان عامل مهمی در پیشبرد انقلاب و تحکیم استقلال کشور می باشد.

ما به کارگران و کارمندان شرکت های تابع و وابسته به سازمان گسترش و نو سازی صنایع ایران به خاطر این قطعنامه تبریک

مبارزه های طولانی کارگران شرکت «آ-پور»

بیارم ولی تا بحال ده بار قرار شده که لیستها را بیارن وزارت کار ولی نیاورده اند. الان این وضع خودمان هست و آنهم وضع زن و بچه مان گرسنه و تشنه در میان گلوله های ضد انقلاب در میاندوآب.

ما از دولت خواهانیم که به خواسته های عادلانه و قانونی، رسیدگی نمایند. به بعضی از ما وزارت کار یکی دو دفعه ۷۵۰ تومن وام بیکاری داده که همایش را همین جا روی موزائیک خرج کرده ایم."

کارگری بنام آقای عزیز احمدی که او هم اهل میاندوآب است و حدود پنجاه سال سن دارد می گوید: من هزار تا نامه شکایت دارم از دست این شرکت آ-پور و این شرکت خودم و دو پسر من را بی خانمان کرده، از سال ۵۴ برای حقوق و مزایایم شکایت کرده ام ولی شکایتم بررسی نشده است."

نماینده کارگران آقای غلامحسین یعقوبی میگوید: "الان ما در این شرکت پیر شده ایم، اون دوران طاغوتی ما هر کجا شکایت می کردیم فوراً خفمان میکردند و بزور قنடை تفنگ با ما برخورد میکردند و تهدید میکردند کمیته ایها در اینجا خیلی بما کمک می کنند، پتو می دهند، غذا می دهند ولی این شرکت که خون ما را مکیده و فرستاده خارج حق ما را نمی دهند."

یکدفعه شرکت برای اینکه در دهان ما را بگذارد ۳۰ هزار تومان داد که به هریک از ما حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان رسید، آیا این پول درد ما را دوا می کند، آیا ما گدا هستیم؟ ما حق خودمان را می خواهیم، ما نه ضد انقلاب و نه اخلاکگر هستیم ولی مدیر عامل برای وزیر نیرو آقای مهندس تاج، آقای فروهر وزیر کار، دکتر صدوقی معاون وزیر کار، وزارت نیروی آذربایجان، کمیته اسلامی مسجد شفا و کلانتری یوسف آباد نامه نوشته که ما ضد انقلاب و استثمارگر و استثمارگر و اخلاکگر و اشغالگر هستیم (و بمن فتوکپی نامه ها را نشان داد که مدیر عامل فرستاده)، ما فقط حقمان را می خواهیم.

را بگیرند و بدهند. در این چند ماهی که در این جا هستیم و هر شب را روی موزائیکهای شرکت خوابیده ایم، نه کمیته از دست ما شکایت دارد و نه دولت. مدیر عامل و نماینده شرکت بما ضد انقلاب می گویند، آیا ما ضد انقلاب هستیم که حقمان را می خواهیم و ساپها زندگیمون در راه این شرکت فدا شده؟

الان زن و بچه مان در آذربایجان غربی زیر گلوله ضد انقلاب هستند و آنها در آنجا گریانند و ما در اینجا، اگر دولت بما نرسد ما نمی دانیم به چه کسی باید رجوع بکنیم تا حق ما را برپایان بگیرد الان کارگر اینجا هست که یک ریال هم تو جیبش نیست. ما مستضعف هستیم و اینها حق ما را خورده اند." کارگر دیگری می گفت: "وزارت کار شکایت می کنیم، ولی نماینده شرکت یا مدیر عامل شرکت یک ساعت جلوتر از وقت تعیین شده میره وزارت کار و کار را درست می کنه و ما باز باید انیور و آنور بدویم در این ده ساله که خدمت کردیم، این شرکت دیناری بما پرداخت نکرد عادلانه حقوق کار و حق خودمان را خواستاریم."

نزدیک به سه ماه است که اینجا آمده ایم، روزهای اول هی میگفتن برید پولتون رو میدیم که ندادند. بعداً با کمیته رفتیم وزارت کار برای مذاکره و حل اختلاف. دو روز در وزارت کار آمده بودیم و کمیته اینهار تعقیب کرد، اینها حاضر نشدند و ما هم آمدیم. تا بحال هم چندین دفعه از اداره کار کارشناس آمده که قرارداد فی ما بین ما و اینها گذاشته، بعداً اینها حاضر نشده اند، عمل بکنند. آخرین مرحله گفتند کارمندیهای ما می ترسند بیایید یک کیلومتر بروید آنطرف، ما عوض یک کیلومتر ده روز رفتیم آذربایجان که اینها مدارک کارکرد ما را در آرند و بخواسته مان در وزارت کار رسیدگی شود، بعد از ده روز ما مراجعه کردیم و تا بحال به نتیجه نرسیده ایم.

کارگر دیگری می گفت: "گاهی اینها میگویند لیستهای حقوقی را برده اند، تریش، گاهی میگویند لیستها کم شده اند و وقتی می رویم وزارت کار، ضمن مذاکره نماینده شرکت میگو به من اجازه بدهند لیستها را

در حدود ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت "آ-پور" حدود دو ماه و نیم است که در این دفتر دست به تحصن زده اند ولی تا کنون خواسته های آنها برآورده نشده است. خبرنگار "رنجبر" گزارشی از وضع این کارگران دارد که در زیر می خوانید.

شرکت "آ-پور" شرکت اتریشی است که کار اصلی آن سد سازی است. این شرکت تا کنون سد نوروز مهر (میاندوآب)، سد جبرفت، سد یوردشتیان (سیستان و بلوچستان) سد میناب (بندرعباس) را ساخته است. در قسمت بیرونی دیوارهای این ساختمان جملات زیر را بارنگ سیاه نوشته اند:

- درود بر خمینی
- درود بر شهیدان راه حق
- ما کارگران اگر ۱۰ سال سرگردان شویم باید به حق خود برسیم.
- ما کارگران یا کشته میشویم یا حق خود را میگیریم.
- اهالی محترم تهران، اتریشیها بوسیله دکتر متری حق کارگران را خوردند.
- مرگ بر نوکران شاه سابق
- مرگ بر آن شرکت هائی که حق کارگران را می خورند.

همه کارگران اهل آذربایجان غربی (میاندوآب) هستند، یکی از کارگران میگوید:

"در تاریخ ۵۷/۹/۳۰ ما را که در بلوچستان کار میکردیم، چون دوران انقلاب بود اینجا آوردند و گفتند برید بعداً میایم و خبرتان می کنیم تا بیایید سر کار پولی تا کنون از کارخبری نیست، من ده دوازده سال برای این شرکت کار کرده ام و آن مواقع با زور مقدار زیادی از حقوق حقه ما را نمی دادند. همچنین حق مسکن، حق اولاد، حق خوراک، حق عیدی، حق سالیانه، حق کاربایی را نمی دادند. اکنون ما اینجا متحصن شده ایم تا حقوق حقه خودمان را بگیریم در این مدت ده دوازده سال خدمت در این شرکت من هم دستم را از دست داده ام و هم پانزده سال دست و پای شکسته و کج جوش خورده می خواهند حق ما را بخورند، ما از دولت، از وزارت کار، از کمیته های ما خواهیم حق ما

مبارزه برای پاکسازی، رفاه و استقلال ملی
کاغذسازی پارس (هفت تپه)

وضع سندیگای کارگر است. البته پیش از انقلاب این سندیکا با خطی درست و خوانا بر سر در می نوشتند سندیگای کارگران ایران که از کارگران کوره پزخانه ها حمایت می کند. این دیگر سخره بود چون بجای حمایت از کارگران حماقت برای کارگران بود موضوع

کاغذسازی پارس (هفت تپه)

می‌سود و او را به شکل با مطلوبی همراه خود می‌برند و آقا یحیی مسئول کمیته روبرو می‌شود که پس از مدتی گفتگو با اینکه آقای صادق آبادی روزه بود به کمیته ذوق فول منتقل می‌کند. در کارخانه بعضی از کارگران مبارز فریاد می‌زنند: امروز نوبت آقای صادق آبادی بود، اگر ساکت بنشینیم فردا نوبت ما خواهد بود، ما ساکت نخواهیم نشست. پس از دستگیری آقای صادق آبادی یکی از مهندسی این کارخانه بنام مهندس علیزاده به مسئول کمیته تلفن می‌کند و می‌گوید این کار شما نادرست است و کارگران کارخانه را می‌خواهاند، ولی در جواب مسئول کمیته با عصبانیت می‌گوید می‌خواهاند مهم نیست، آقای مهندس علیزاده از وی می‌خواهد که با کارگران وارد صحبت بشود تا از اغتشاش جلوگیری بشود، ولی مسئول کمیته از این پیشنهاد امتناع می‌کند.

در تاریخ ۵۸/۵/۲۴ با گرفتن تصداز صادق آبادی تحت این عنوان که شما حق ندارید در شورا فعالیت نمائید وی را آزاد می‌کنند، ناگفته نماند که آقای صادق آبادی با میل و رضایت خودش این کار را نکرده.

در تاریخ ۵۸/۵/۲۵ شورا از کارگرانیکه در پستهای حساسی نیستند دعوت می‌کند که شورا سخنرانی دارد، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران مبارز بدعوت شورا جواب مثبت می‌دهند، بدون اینکه کارخانه از کار خود عقب بیافتد. در ابتدا یکی از نمایندگان شورا صحبت می‌کند و خلاصه سخنان وی چنین بود: در تمام ایران اوباشان و مزدوران رژیم سابق و عوامل ابر قدرتها سعی کردند هرج و مرج بوجود آورند، در این کارخانه نیز عوامل آنها موجودند، با اراده شما کارگران و مقامات مسئول استقلال خواه بایستی این کارخانه از عوامل مزدور پاکسازی شود، که در خاتمه مورد تشویق کارگران قرار می‌گیرد. پس از آن از آقای مهندس علیزاده دعوت میشود که سخنرانی کند خلاصه سخنرانی وی بر روی پاکسازی پافشاری می‌کند و می‌گوید: این اوباشانی که زمان شاه قدره می‌بستند هم اکنون دویست ساعت در ماه "اضافه کاری" دارند و حقوقهای بی رویه می‌گیرند، راست و راست در کارخانه می‌گردند و کمیته کاملا از آنها آگاهی دارد ولی آقای صادق آبادی که در زمان رژیم منفور پهلوی مسئولیت پخش اعلامیه‌های انقلابی از جمله اعلامیه‌های امام خمینی را داشته باید دستگیر بشود آیا این عدالت است؟ در خاتمه

بقیه از صفحه ۴

در رنجبر شماره ۱۵ خواستهای بحق کارگران - کارمندان مبارز کاغذ پارس آمده بود. یکی از مهمترین خواستهای کارکنان کاغذ پارس هفت تپه پاکسازی افراد ناپاب و مزدور رژیم سابق بوده و هست.

بیش از یک ماه است که مقامات مسئول امروز فردا می‌کنند، تا اینکه در تاریخ ۵۸/۵/۱۵ شورای کارگران نامه‌ای به قائم مقام مدیر عامل کارخانه کاغذ پارس نوشت و در آن خواستهای کارکنان را شرح زیر ابراز کرد:

- ۱- رفع بی عدالتیها و تبعیضها و اجحافات.
- ۲- حق مسکن برای کارگران هر ماه ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۳- حق بدی آب و هوا برای کارکنان.
- ۴- پیاده کرده طرح طبقه بندی مشاغل به شیوه درست و زیر نظر شورا.

این خواستهای بحق در نامه مذکور آمده بود و در ضمن تا تاریخ ۵۸/۵/۱۷ مهلت گذاشته بودند تا از طرف مدیریت پاسخ قانع کننده‌ای به نامه شورا بدهد. چنانچه پاسخ درستی دریافت نکنند تصمیم گیری درباره کارخانه با کارگران خواهد بود.

مدیریت هیچگونه جوابی به خواستهای کارکنان نداد، در نتیجه کارکنان قسمت تولید کاشمر کار آن قسمت را خوابانیدند. این توقف کار بمدت ۶ ساعت طول کشید. پس از این جریان مسئولین با قائم مقام مدیر عامل در تهران تماس گرفتند و در جواب گفت که تا عصر خودم را به کاغذ پارس می‌رسانم. پس از آمدن قائم مقام و تشکیل جلسه با نمایندگان شورا چنین گفت: شرکت کاغذ پارس طی شده و ۹۲٪ شرکت از آن دولت است و ۸٪ آن متعلق به سهامداران دیگر است و دولت به وی گفته فعلا "موقتاً" در این محل مشغول بشود تا یک مدیر عامل جدید بفرستیم، و در ضمن خواستهای کارکنان کاغذ پارس فقط در چهار چوب قوانین جدید دولت می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

پس از این جریان کارکنان به سر کار خود بر می‌گردند و منتظر آینده نزدیک می‌شوند. کارکنان با جدیت کارتولید را شروع می‌کنند، البته با کیفیت بهتر و کمیست بیشتر.

روز سه شنبه ۵۸/۵/۲۳ ساعت ۱۱ صبح افراد مسلح کمیته هفت تپه برای دستگیری یکی از نمایندگان شورا به نام آقای علی اکبر صادق آبادی وارد کارخانه

بر سر در می‌نویسند تا فردان ایران که از کارگران کوره پزخانه‌ها حمایت می‌کنند. این دیگر مسخره بود چون بجای حمایت از کارگران حماقت برای کارگران بود موضوع از این قرار بود که عده‌ای کارگر روشنفکر که می‌دانستند چگونه از نیروی کار آنها برای پر کردن جیب سرمایه دار استفاده می‌کنند اعصاب کرده و به سندیکای کارگران می‌رفتند ولی چه رفتنی، آقای رئیس سندیکا با زبانی بسیار گرم از آمدن آنها به سندیکا استقبال می‌کرد از طرفی دیگر ارباب با دستی پر به سندیکای رفت دیگر معلوم بود چه کسی حاکم و چه عده‌ای تیره بخت محکوم میشود وقتی رئیس سندیکا با ارباب صحبت کردند کارگران را به امید اینکه حق شما را خواهیم گرفت به سرکامی فرستاد ولی با وضعی بدتر از قبل من به عنوان یک کارگر امیدوارم که سندیکای ما که در شرف بوجود آمدن است هر چه بهتر و بیشتر به کارگران رسیدگی نماید. تمام این ها از بهداشت و راه و امانال اینها خبری نیست از چه چیز این محیط کارگری رنج نبری؟ در محیطی که تقریباً ۶۰۰۰ کارگر وجود دارد حمام فقط یکی است آنهم حمامی که ماهها می‌گذرد و اصلاً شسته نمی‌شود نه آب خوردنی و نه کسی که اگر چیزی بخواید بدهد فقط یک بچه مسئول پول گرفتن است و به هیچ کاری هم کار ندارد حمامی دیگر در میان ده است که بنابه خواسته افراد ده خود مردم می‌توانند از آن استفاده کنند راستی آنقدر گرد و خاک و دود است که تا از حمام در آمدی از اول بدتر.

شب می‌خوابی صبح که بیدار می‌شوی نفس نمی‌توانی بکشی چون تا دلت بخواد دود به حلققت رفته و از تنفس جلوگیری می‌کند راه شوزه هم فقط چند تا ماشین بوده اند که از روی زمینی گذشته بدون اینکه در آن دست کاری بشود و باید با هزار مکافات از آن گذشت.

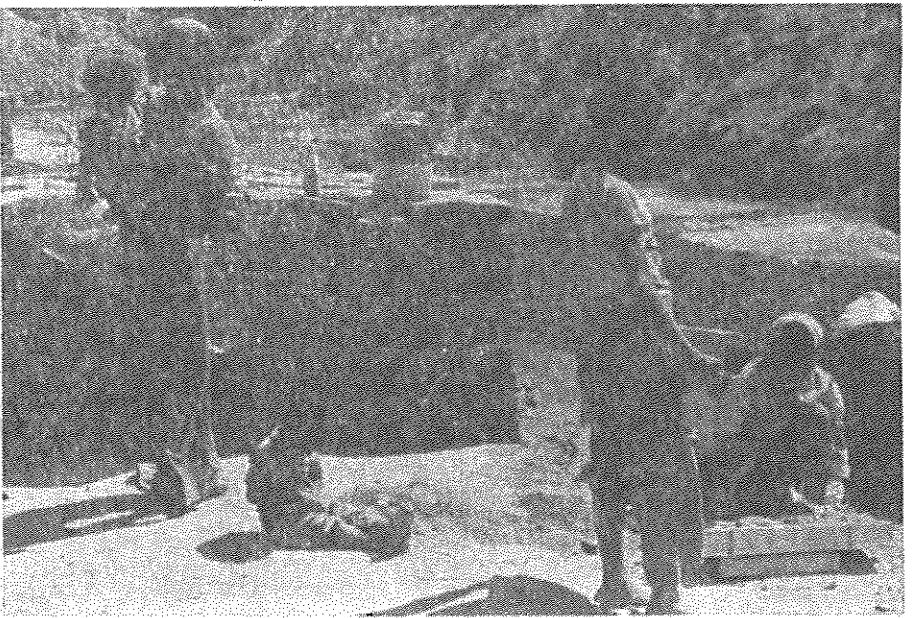
پس اینها همه مشکلاتی است که کارگران باید تحمل کنند. آیا کارگر باید همینطور باشد؟

جویای حال کارگری می‌شوم که از من بزرگتر است و مدت بیشتری در این محیط بوده است می‌گوید ۲۹ سال دارم ۴ بچه که ۳ تا از بچه‌ها در سر کوره متولد شده‌اند. خیلی ناراحت است از وضع کارگر کوره پزخانه‌ها خیلی شکایت دارد. بچه‌های خودش را با بچه‌های شهر مقایسه می‌کند و درد و رنجش بیشتر می‌شود می‌گوید آیا بچه‌های ما با دیگر بچه‌ها فرقی دارند آیا بچه انسان نیستند پس چرا اینهمه مکافات یکشند چرا هیچ وسیله سرگرمی نداشته باشند چرا بهداشت نداشته باشند چرا لباسهای نو را

بقیه از صفحه ۴

ما به کارگران و کارمندان شرکت های تابع و وابسته به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران به خاطر این قطعنامه تبریک می‌گوئیم و به آنها درود می‌فرستیم و امیدواریم مجامع آینده آنان حاوی دست آوردهای بزرگتری باشد. این قطعنامه نشان دهنده رشد جنبش کارگری در میهن ماست. امید ما به روزی است که کنگره سر تا سری کارگران میهن ما با چنین نظرات و سیاستهای ملی و انقلابی بر گزار گردد.

در دلد يك كارگر كوره پزخانه



ونی هر جا که میرود مورد بی اعتنائی صاحبان کار قرار می‌گیرد جایی برای جان کندن پیدا نمی‌کند فکر می‌کنند کارخانه به اندازه کافی کارگر دارد، ولی اینطور نیست آنها خوششان می‌آید که برایشان مفت و مجانی کار کنند با حقوقی بخور و نمیر اما این سرمایه داران بی وجدان به خاطر ساختن و پاختی که با هم دارند از پذیرفتن کارگر دیگر کارخانه‌ها یا کارگاه‌ها خودداری می‌ورزند تا کارگر بجای کار اولیه برگردد و بدبختیهای بدتر از قبل را تحمل می‌کند. ای کارگر این چه زنده ماندنی این چه حیاتی که دائم کوله بار بدوش و خودت بدنبال بدبختی بگردی. افسوس می‌خورم که چرا مردم زحمتکش اینطور باید زندگی کنند نباید بپا خیزند و دست سرمایه داری که فقط طالب پول است کوتاه کنند. خود به مسند کارهای بنشینند. موضوعی دیگر که مرا متأثر می‌سازد

آوریم، نخواهیم توانست استقلال سیاسی خود را در مقابل ابرقدرتها و امپریالیستهای دیگر تحکیم بخشیم. قطعنامه تشخیصی درستی از رهبری انقلاب (امام خمینی) و دولت ملی بازرگان دارد. این ارزیابی درست، نقطه مقابل ارزیابی گروههای چپ نمائی است که به دولت بازرگان بر حسب‌های ناروا می‌زنند و در عمل در خدمت امپریالیستها قرار می‌گیرند.

۲ - در زمینه آزادی

" من یکی از کارگران کوره‌های آجرپزی هستم. می‌خواهم درباره وضع فلاکت بار این محیط که زیر سلطه عده‌ای سرمایه دار، هزاران کارگر جان می‌دهند، مطلبی بنویسم. هر گوشه از این محیط را بخواهیم توصیف کنم باز از گوشه دیگری از بدبختی زیانه می‌کشد. از بهداشت گرفته تا آب و هوای گرم و سوزان، گرد و خاک زیاد، دود همه همه مشکلاتی است که این مردم تیره بخت باید آنرا بدوش بکشند و صدائی از آنها بلند نشود تا بلکه لقمه‌ای نان را بدست آورده خود و خانواده را از نیستی برهانند. اینها همه هیچ، باز ناراحتی از اینجا شروع می‌شود که این همه رنج را این مردم بدبخت تحمل می‌کنند اما کوچکترین اشتباهی که بر خلاف عقیده ارباب باشد باعث طرد کارگر از آن محیط می‌شود کارگر بیچاره کوله بار را بدوش گرفته از این سوبه آن سومیرود تا شاید بتواند باز کاری گیر بیاورد.

مصاحبه با جلال طالبانی (۲)

(ما در شماره ۲۲ ، بخش اول مصاحبه "رنجبر" با جلال طالبانی را منتشر کردیم ، اینک بخش دوم و آخر) این مصاحبه را از نظر شما می گذرانیم .

سؤال : مسئله دخالت نیروهای طرفدار شما و همکاری آنها با بعضی گروههای "چپ" در کردستان ایران به طور جدی مورد بحث است . نظراتان در این مورد چیست ؟

جواب : واقعاً این یک مسئله ایست که تقریباً یک سال است تکرار می شود . در زمان آموزگار بود . بعداً از هزاری و حتی شریف امامی مدتی و بعد از او بختیار همه این تبلیغات را علیه ما تکرار کردند و همه گفتند که ما در کار ایران دخالت داریم .

در واقع ما فقط ما یک دفعه دخالت کردیم . این نیز بعد از پیروزی انقلاب ایران بود و برای حفاظت و حمایت از یک گردان ۲۵ نفری سرباز ایرانی به سرکردگی سروانی به نام کیانی . اینها نزدیک مرز بودند در ضمن در خطر خلع سلاح شدن بودند . ما از ایشان دفاع کردیم ، حمایت کردیم چون گفتیم اینها جزو ارتش جمهوری اسلامی شدند و طبق تعلیمات امام خمینی باید با چشم برادری و احترام به ایشان نگاه کرد ما حتی برایشان آذوقه هم فرستادیم و کمک کردیم ، بعداً دولت ایران آمد و ایشان را به ارومیه منتقل کرد و اسلحه شان حفظ شد و این ۲۵ نفر اسلحه خودشان را حفظ کرده بودند . در منطقه سردشت و منطقه بیرانشهر دیگران همه خلع سلاح شدند . ما فقط این دفعه این دخالت را کردیم .

دیگر این چیزها واقعا همه تبلیغات دشمنان ما و دشمنان انقلاب ایران است . مثلاً در حوادث اخیر مریوان ، اینجا گفتند ده هزار پیش مرگه مسلح ما آمده اند برای همکاری با خلق مریوان علیه پاسداران اسلامی و ارتش . اولاً ما کاشکی ده هزار پیش مرگه داشتیم اگر ده هزار پیش مرگه داشتیم جا های صدام خیلی را محاصره می کردیم نه مریوان را ، این یک ضما" تا به حال یک نفر از ما نه گرفته شده نه دیده شده .

ما اصلاً معتقد به دخالت نیستیم و دخالت نمی کنیم یعنی حتی دفعه ای یکی از آیات اعظام ، از هیات نمایندگی خاورمیانه کردستان تقاضا کرده بود که دخالت کنیم به نفع حل سیاسی و مسالمت آمیز مسئله در کردستان ایران . ما این را هم نپذیرفتیم گفتیم وقتی ما دخالت می کنیم گهر دو طرف

این کارها نیست ما نمی دانیم این کارها برای ایشان توضیح دهیم یا راهنمایی نکنیم . از سوی دولت ایران ما این را می بینیم که دولت ایران باید اولاً انقلاب اسلامی ایران را به کردستان برساند و در آنجا اجرا کند ، بعداً باید در آنجا از دهقانان و دست آوردهای دهقانان دفاع کند و بر خلق کرد متکی باشد ، بر مبارزین کرد هم از انقلابیون و روحانیون مترقی و روشنفکران و زحمتکشان و همه اقشار خلقی (دولت) باید علاقه داشته باشد یا رابطه داشته یا کمک کند به کسانی ارتجاعی و فئودالها و ساواکی های قدیم . اینها نیروهای ضد انقلاب هستند و یک روزی آنها این کمک و اسلحه را که دولت به ایشان می دهد علیه همین دولت و همین انقلاب اسلامی به کار خواهند برد . ما فکر می کنیم دولت هم باید راه حل سیاسی را در پیش بگیرد نه راه توسل به اعزام نیرو تانکها و توپ و هواپیما ها . ما تجزیه عراق را داریم یعنی شروع جنگ ، که خدا می داند به کجا منجر می شود و چه چیزی به سر منطقه یا دولت ایران می آورند و به این سادگی نیست .

احیاناً من از زبان بعضی هادرا ایران می شنیدم که فکر می کنید با فرستادن لشکر شماره چند و این قدر زره پوش و این قدر تانک توپ مسئله حل می شود . این خیلی نا درست است و برای ایران خیلی خطرناک است ، چون اگر انقلاب ایران مشغول جنگ داخلی بشود و سرگرم حل کردن مسئله با زور بشود دیگر نمی تواند بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم و نیروهایی که می خواهند در ایران دخالت بکنند ایستادگی بکنند مسئله خیلی خطرناک است چون نمی دانیم پس از

شروع جنگ چه می شود ، خصوصاً که انقلاب اسلامی ایران خیلی دشمن دارد و از هر طرف دشمن هست آنها در کمین اند و میخواهند علیه آن توطئه و خرابکاری انجام دهند .

البته ما از دور می توانیم یک چیزهای خیلی کلی بگویم چون مسئله به خلق کرد و دولت ایران وابسته است . ما هر چه از دست مان بیاید از این راه برای حمایت از انقلاب ایران و برای پیشبرد کار انقلاب در ایران و برای پیشرفت انقلاب ایران می کنیم ، حتی اگر یک روزی لازم باشد حتی ما میانجیگری بکنیم یا کاری بکنیم که به نفع حمایت از انقلاب ایران و به نفع تقویت همبستگی و رابطه خلق کرد و ایران باشد می کنیم البته این وابسته به ما نیست وابسته به خلق کرد و دولت ایران است .

سؤال : رابطه بین قیاده موقت و بعضی از عناصر شاه سابق مثل پالیزبان و اوپسی تا چه حد است ؟

مبارزه برای

نامه ای که شورا به استانداری خوزستان نوشته بود قرائت می کند که مورد تأیید کارگران قرار می گیرد و تقریباً کلیه کارگران امضاء می کنند .

درست بعد از نیم ساعت که از ختم جلسه می گذرد ، تلش زنگ می زند و آقای مهندس علیزاده را می خواهد ، تلفنچی می گوید مسئول کمیته از شما می خواهد که با وی صحبت کنید ، آقای مهندس علیزاده جواب می دهد تا ساعت دو بعد از ظهر وقت اداریم است و نمی توانم کارم را ترک نمایم اگر وی عجله دارد می تواند به اینجا بیاید . مسئول کمیته در پاسخ سخنان مهندس علیزاده یک احضاریه همراه دو پاسدار به کارخانه می فرستد ، در این جریان کارگران دور تا دور مهندس را گرفته با هوشیاری کامل از بردن مهندس جلوگیری می کنند ، کارگران فریاد می زدند : آقای صادق آبادی را دستگیر کردند و بی خودی سی ساعت در کمیته در زفول خوابید و خرامر نهمیدیم چرا یک انقلابی را دستگیر کردند و چرا آزادش کردند . ما موریین حامل احضاریه وارد اتاق رئیس امور اداری می شوند . پس از لحظه ای مهندس علیزاده از اتاق بیرون می آید و روبه کارگران می گوید : برادران کارگر اینها می گویند باید به کمیته بروم ، شما چه می گویند ؟ همه کارگران یک صدای می گویند نه نه کارگران تصمیم می گیرند چهار نفر به عنوان نماینده وارد اتاق کنند ، پس از صحبت های کارگران مجدداً مخالفت خود را با بردن مهندس علیزاده به کمیته اعلام می کنند . در این جریان آقای مهندس علیزاده فریاد می زند من به کمیته نمی روم و امشب به منازل برادران کارگرم خواهم رفت چون که فرزند کارگرم . کارگران احساس غرور می کنند ، بعد از چند لحظه معاون کمیته هفت تپه پیدا میشود . پس از بحث زیاد وی با عکس العمل کارگران روبرو می شود ، وقتی که جریان را چنین می بیند با ماشین محل را ترک می کند ، پس از مدتی کارگران شیفت جدید وارد کارخانه می شوند ، آقای مهندس علیزاده خود را مسئول می داند که جریان را به کارگران شیفت جدید در میان بگذارد ، نامه ای را که از طرف شورا قرائت کرده بود مجدداً برای آنها قرائت می کند و پس از آن رو به کارگران می گوید : برادران به خاطر قرائت این نامه مرا می خواهند به کمیته ببرند نظر شما چیست ؟ کارگران مخالفت خود را در بردن وی به کمیته اعلام می کنند . کارگران به شور می نشینند و تصمیم جدید می گیرند ، بدین قرار : مهندس علیزاده با همراهی چهار نفر از اعضای شورا و با مواظبت تمام کارگران از دور به طرف کمیته حرکت می کنند . کارگران هر چند نفر با موتور سیکلت و یا پیاده و یا با ماشین کاملاً مواظب دوست خود یعنی

رهنمودهای امام

تمایز گذاری بین آزادی و توطئه

با حرکت رهبری انقلاب در افشاء و سرکوب نشریات وابسته آندسته از کسانی که با فراموش کردن توطئه های دو ابر قدرت و دخالت های آنان زیر پرچم " مبارزه با دیکتاتوری و برای آزادی " حرکت میکنند به های و هوی فراوان پرداخته اند . امام خمینی در جواب به این دسته گفتند " اینها که آزادی میخواهند ، اینها که میخواهند جوانان ما آزاد باشند و برای آزادی میخواهند ، میخواهند میکنند چه نحو آزادی میخواهند ، میخواهند جوانان ما آزاد بشوند و قمارخانه ها باز باشند و مشربخانه ها و عشرتگدها باز باشند . . . و هر مفسده ای را خواهند عمل کنند ، این چیز است که از غرب دیکته شده است " و امام برای آنکه راه واقعی جوانان ما را روشن کند و آزادی واقعی را نشان دهند به جوانان گفت که : " انسان رزمنده میخواهیم ، ما جوانهای حماسه جو میخواهیم " .

تمایز گذاری بین تبلیغ ایدئولوژی و سیاست ضد انقلابی

در اوضاع پر تلاطم کنونی عده ای که با دست اجانب مشغول تفرقه افکنی هستند و نام "چپ" بر خود نهاده اند به تظم خواهی پرداخته اند که گویا انقلاب اسلامی در صدد نابودی آنها است و " فاشیسم بدنال سرکوبی آنها است " آنها میگویند تا بدینگونه ملت را به رهبری انقلاب بی اعتماد کرده و هرچ و مرج را دامن زنند . از سوی دیگر عده ای هم پیدا شده اند که با سوء استفاده از این توطئه "چپ نماها" بدون تمایز گذاری بین نیروهای چپ واقعی و مستقل و "چپ نماها" با علم "چپ کشی" به میدان آمده اند . اما در این مورد نیز امام خمینی در عین برخورد قاطع به توطئه گران به اصولی بودن عرضه مکاتب نیز توجه میکند . " عرضه" مکتب غیر از سوزاندن خرمن ها است ، غیر از ریختن به دانشگاه و جلوگیری از اینست که دانشگاہیان مشغول کار باشند ، غیر از اینست که با رفرا ندمی که مردمی و مربوط به مصلحت مملکت است مخالفت و آنرا تحریم کنند ، یا صندوق ها را آتش بزنند ، یا با اسلحه جلوگیری کنند از اینکه مردم راهی بدهند ، یا در راه پیمایی که کرده اند خودشان غاظه درست کنند " . این گفته های امام بروشنی بین کسانی که در شش ماه گذشته زیر نام "چپ" در امر وحدت خلق توطئه کردند و کسانی که مایل به حرکت در مسیر انقلاب و عرضه اصولی عقاید خود هستند تمایز گذارده و راه را برای وحدت اصولی باز میکند .

تمایز گذاری میان وحدت اسلامی و وجود احزاب غیر اسلام

و افراد شورا وارد اتاق رئیس کمیته می شوند . آقای یعقوبی از وی سؤال می کند چرا به کمیته نیامدید ؟ در جواب وی می گوید مشغول کارم بوده ام ، آقای یعقوبی داد میزند که شما کمونیست هستید در جواب او می گوید من خواهان استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی هستم به همه افرادی که به این سه اصل اعتقاد دارند از کمونیست گرفته تا اسلام مبارز و دیگروطن پرستان احترام می گذارم و خواهان اتحاد با آنها هستم ، آیا شما می توانید مخالف این سه اصل باشید ؟ آقای مهندس علیزاده ادامه می دهد و می گوید چرا شما افراد خلقی و مبارز برای پیشبرد کارها استفاده نمی کنید و چرا شما اجازه داده اید که تعدادی افراد اوباش وارد کمیته بشوند و هم شما و هم دیگر افراد کمیته را بدنام کنند و کارها را خراب کنند ؟ و در ضمن چرا شما اخبار کارخانه را از نمایندگان شورا که مسئول هستند و در مقابل کارها احساس مسئولیت می کنند دریافت نمی کنید و به افراد نابالغ و غیر مسئول به کارها اعتماد دارید ؟ آقای یعقوبی جواب این سوالات را نمی دهد و می گوید چرا شما در میان کارگران اینقدر محبوب هستید ؟ آقای مهندس علیزاده جواب می دهد من احترام به کارگران می گذارم در کارم متکی به آنها هستم از آنها یاد می گیرم ، با آنها مشورت می کنم خودم هم کارگر زاده هستم . اگر شما می خواهید مورد احترام کارگران قرار بگیرید نیز باید متکی به آنها باشی با آنها مشورت کنی و واقعا از صمیم قلب آنها را دوست داشته باشی .

خلاصه بعد از مدتی بحث کردن آقای یعقوبی از وی می خواهد که تعهد بدهد ولی آقای مهندس علیزاده می گوید من هیچگونه تعهدی نمی دهم فقط روی حرف اولم که گفته ام خواهان استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی هستم با وجدان خودم عهد بسته ام که در عمل آنها را پیاده کنم و هر کسی که خواهان اجرای آنها باشد تا آخرین قطره خونم از وی دفاع خواهم کرد . پس از این جریان اعضای شورای کارکنان کاغذ پارس هفت تپه کتبا" تأیید می کنند که آقای مهندس علیزاده مدافع ملت است و مدافع انقلاب و یک فرد درست کاری است . بعد از این جریان و خدا حافظی مهندس علیزاده و اعضای شورا بیرون می آیند و کارگران اظهار خوشحالی نموده و این را یک پیروزی برای خود می دانند .

درد دل یک...

از پشت شیشه ببینند و چرا میوه را فقط از صدای میوه فروش بشنوند طوری نباشد که ما هم بتوانیم از میوه استفاده کنیم چون آنقدر گران است که برای یک هندوانه مثلاً ۴ کیلو باید ۲۰ تومان بپردازیم از بهداشت از حمام از جاده و از همه چیز حرف می زند که هیچ

نفع حل سیاسی و مسالمت آمیز مسئله در کردستان ایران. ما این را هم نپذیرفتیم گفتیم وقتی ما دخالت می‌کنیم که هر دو طرف یعنی هم دولت موقت ایران و هم خلق کردستان ایران را از ما تقاضا کنند و بپذیرند و واقعا ما در هیچ مسئله ایران دخالت نکرده ایم. ولی چیزی هست و این احیاناً باعث می‌شود که پیش مرگ‌های ما وارد ایران بشوند این هم است که دولت ایران قیاده موقت را آورده و پشت سر ما بهایشان جا داده احیاناً این قیاده موقت‌ها می‌آیند در کردستان عراق برای خرابکاری. مثلا دو نفر از رفقای ما یا پیش مرگ‌های رفته استراحت بکند یا مثلا "دکتری به جایی می‌رود برای مداوا می‌گیرندش می‌کشندش. این کارها چند بار شده ما البته دنبال این متجاوزین قیاده موقت احیاناً می‌رویم و احیاناً اینها فرار می‌کنند به ایران ما تا خاک ایران هم دنبالشان می‌رویم و این واقعا اشتباه دولت ایران است که اجازه می‌دهد اینها در داخل خاک ایران کار بکنند، فعالیت علیه ما بکنند و بیایند در کردستان عراق و این مسئله را بوجود بیاورند. در مسائل دیگر غیر این مسئله ماهیج دخالتی نداشته‌ایم و دخالتی نخواهیم داشت و ما علیه هر مسئله که انقلاب را تضعیف بکند موضع می‌گیریم چون ما تضعیف انقلاب ایران را به نفع امپریالیسم و صهیونیسم می‌دانیم ما این کار را که باعث آشوب و اخلال در ایران باشد کاری بدی می‌دانیم و موافقش نیستیم بنابراین ما هیچ دخالتی نکرده‌ایم و در امور داخلی ایران دخالتی نخواهیم کرد

سؤال : راه حل مسئله کردستان به نظر شما چیست ؟ از جانب دولت ایران چه سیاستی را درست می‌دانید ؟ از جانب جنبش خلق کرد چه راه حلی را صحیح تر میدانید ؟

جواب : از جانب خلق کرد من راه مبارزه سیاسی، را بسیج خلق و بسیج توده‌ها و راه مبارزه. اولاً "دفاع از انقلاب ایران از جمهوری اسلامی ایران و بعداً" در چارچوب جمهوری اسلامی ایران بدست آوردن آرمانهای خلق از راه سیاسی و مبارزه سیاسی و راه گفتگو با دولت راه فرستادن هیات نمایندگی پیش رهبر انقلاب ایران امام خمینی و شرکت کردن در انتخابات مجلس خبرگان و مجلس شورای ملی و همکاری کردن با نیروهای انقلابی و مترقی ایران برای بدست آوردن آرمانهای خودشان. ما این راه را می‌پسندیم البته چگونگی مبارزه و شیوه این مبارزه و روش این مبارزه به خلق مبارز وابسته است یعنی

دولت ایران است. **سؤال :** رابطه بین قیاده موقت و بعضی از عناصر شاه سابق مثل پالیزبان و اویسی تا چه حد است ؟

جواب : شنیده‌ایم که اولاً اویسی و صیادیان و پالیزبان با قیاده موقت در تماس هستند و نه فقط اینها خیلی ساواکی‌های قدیمی که در کردستان ایران هنوز مانده‌اند و همه نیروهای ارتجاعی و فئودالهای وابسته به شاه رابطه خیلی خوبی با قیاده موقت دارند و گروه پالیزبان که مدتی در منطقه سید صارق اقامت داشتند (سلیمان در کردستان عراق) اینها با نادر اوزمی یکی از فرمانداران و افراد مسلح وابسته به قیاده موقت رابطه داشته و می‌خواستند از طریق ایشان در کردستان ایران نفوذ کنند و می‌خواستند مزدور جمع کنند و حتی با بعضی از روسای عشایر کردستان ایران از راه این نادر اوزمی برای همکاری و خرابکاری علیه دولت ایران تماس گرفته بودند.

در این مورد ما صد در صد مطمئن هستیم که قیاده موقت رابطه خیلی قوی با سیا و موساد اسرائیلی و میت ترکیه دارد اسناد این هم پخش شده، یک روزنامه اسرائیلی پارسال یک مقاله‌ای منتشر کرد در مورد رابطه بارزانی و قیاده موقت و اسرائیل از قدیم تا به حال و روزنامه نویسی معروف عرب حسین هیکل هم یک چیزی در رابطه اسرائیل و بارزانی و اینها را پخش کرد و در مورد مسئله همکاری اینها با ساواک هزاران پرونده و اسناد هست ولی نمی‌دانم باز کرده‌اند یا خیر و مسئله همکاریشان هم با "میت" هم خیلی آشکار است ولی من فکر می‌کنم تا روزیکه سیا و موساد میت و شروع به کار مسلطانه علیه انقلاب ایران نکنند آنها امکان آئین را دارند که خودشان را حفظ کنند و به دولت انقلابی ایران نزدیک شوند و جایی در صحنه سیاسی برای خودشان پیدا کنند چون از صحنه سیاسی در عراق بیرون رفته و تماس با این گروه‌های مثل پالیزبان و صیادیان و اویسی و اینها فقط برای آمادگی برای روزیست که لازم باشد.

حالا مثلاً من این طوری می‌بینم. از سوئی عراق می‌خواهد فشاری بیاورد تا ایران سازش کند، از آن سو کسانی هستند در دولت ایران که می‌خواهند با قیاده موقت بازی کنند برای اینکه عراق را وادار کنند تا از توطئه‌های خودش علیه ایران دست بکشد. در این بازی سیاسی، عراق از طرفی با پالیزبان و ارتشیان فراری بازی می‌کنند و کسانی هستند در دولت موقت ایران هم با قیاده موقتی‌ها و کسانی دیگر بازی میکنند. این بسته به وضع خاور میانه دارد، اگر آمریکا

دور به طرف گمته حرکت می‌کنند. کارگران هر چند نفر با موتور سیکلت و یا پیاده و یا با ماشین کاملاً مواظب دوست خود یعنی مهندس علیزاده هستند، مهندس علیزاده

تکذیب

پس از آنکه تعدادی از رسانه‌های جمعی اظهار داشتند که نیروهای جلال طالبانی گویا در حوادث اخیر پایه شرکت داشته‌اند، جلال طالبانی، دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق، طی تلگرافی به آیات عظام منتظری و طالقانی اعلام داشت که: "ما در رویدادهای پایه دخالت نداریم، ما همیشه پشتیبان و دوست انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی هستیم."

بخواهد علیه انقلاب ایران کاری بکند حتماً از پالیزبان تا قیاده موقت و فئودالهای سابق، همه را به شیوه‌ای در جریان خواهد انداخت ولی اگر آمریکا حالا نقشه دیگری داشته باشد مثلاً "منتظر باشد نیروهای انقلابی ایران هر چه بیشتر از یکدیگر جدا بشوند و تفرقه افکنی بکند و بخواهد که بعد از زمانی دیگر که زمینه کودتائی یا کاری به بیند، آن وقت این عوامل خودش را آن وقت بکاربرد، این چیز دیگریست.

من فکر می‌کنم حالا امپریالیسم می‌خواهد در ایران آشوب و اخلال تفرقه‌افکنی بکند یعنی حالا نمی‌خواهد امروز کاری بکند یا کودتائی بکند، می‌خواهد زمینه برای یک کودتای ارتجاعی و یک کار ضد انقلابی پیدا کند، زمینه بسازد، و در این راه از پالیزبان صیادیان، اویسی - قیاده موقت و صدام حسین میت ترکیه و فئودالها و نیروهای نا آگاه افراطی، زیر هر نامی که باشد هم استفاده می‌کند.

سؤال : پیامی برای مردم ایران دارید ؟

جواب : ما به خلق قهرمان ایران درود می‌فرستیم و امیدوار هستیم پیروزی‌های بیشتری بدست بیاورد و هر چه بیشتر وزودتر انقلاب ایران به سوی تحقق یافتن همه آرمانهای خودش به پیش برود و امیدوار هستیم همه نیروهای انقلابی و ملی و مترقی و دموکراتیک به سوی یک اتحاد ملی بزرگ بروند و امیدواریم که ایران و خلقهای ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع موفق باشند و به همه دوستان و رفقا سلام و درود می‌فرستم.

گران است که برای یک هندوانه مثلاً ۴ کیلو باید ۲۰ تومان بپردازیم از بهداشت از حمام از جاده و از همه چیز حرف می‌زند که هیچ چیز در آنجا وجود ندارد.

ما کارگران مگر نمی‌خواهیم در آرامش زندگی کنیم مگر ما نمی‌خواهیم از محیط سالم و بهداشت استفاده کنیم مگر ما انسان نیستیم مگر ما کارگران با بقیه افراد این جامعه فرق داریم. لحظه‌ای بیندیشید که ما انسانیم و هر انسان آرزو دارد. آرزوی ما این است که هر چه زودتر و بهتر به این وضع فلاکت بار رسیدگی شود و طوری باشد که حدود ۶۰۰۰۰۰ هزار نفر یک حمام نداشته باشند اقدامی بفرمائید تا ما هم که در انتظار چنین کاری هستیم با دل و جان کمک کنیم ما را از این جاده‌های خاکی نجات بدهید لااقل شن ریزی بشود و اگر دود این محیط را بتوانید از بین ببرید خدمت بزرگ به جامعه انسان کرده‌اید چون می‌شود تمام کوره‌ها با گاز کارکنند و دود دیگر نداشته باشند.

پس من به عنوان یک کارگر از دولت می‌خواهم هر چه سریعتر به این محیط آمده و در رفع مشکلات مردم بکوشد چون حرف شما بیشتر روی کارگران است ولی کاری برای آنها انجام نمی‌دهید و اگر این وضع ادامه پیدا کند حتماً "کارگران از دولت زده می‌شوند بنابراین خواهش ما کارگران این است که بتوانیم در پناه دولت از تمام وسایل استفاده کنیم و زندگی ما آرامش بیشتری داشته باشد.

اعلامیه مجاهدین

و دیوارهایی است که ضدانقلابیون با انواع تحصن‌ها، تظاهرات بی دلیل، اعتصابات، شایعه پراکنی از طریق روزنامه‌های مزدور، انفجار، خرم سوزی، ترور و حتی جنگ داخلی ایجاد کرده و جلوی اصلاحات اساسی و انقلاب اقتصادی - فرهنگی را میگیرند و گرنه ما بخوبی آگاهیم که نارسائی‌ها و کمبودهای بیشتر مردم مسلمان و آزاده کرد و بلوچ و عرب و ترکمن را در خود میفشارد و باید هر چه سریعتر با اقدامات بنیادی و اساسی این بازمانده ننگین شاهنشاهی را از میان برد.

اوضاع حساس...

طریق زمین داران، فئودالها و مالکین محل صورت می‌گیرد به خاطر اینکه بتوانند در این مسئله درگیری بوجود آورند در صورتی که خلق ترکمن خیلی هوشیارترند که بخواهند

برای وحدت اصولی باز میکند. تمازگذاری میان وحدت اسلامی و وجود احزاب غیر اسلامی

باروشن شدن اهداف خراب سازان‌ها و احزاب وابسته و برخورد قاطع دولت و امام خمینی به لزوم منوع کردن فعالیت آنها باز دیگر مسأله آزادی احزاب مورد بحث قرار گرفت. فرصت طلبان کوشیدند که با های و هوی این بار نیز یا عرضه "دلیل" دیگری وجود "فاشیسم" را ثابت کنند. اما امام خمینی بار دیگر با هوشیاری کامل اعلام کرد که: "ما که گفتیم حزبی بنام حزب مستضعفین در همه‌جای دنیا تشکیل شود منهایش این نبود که حزب‌های صحیحی هم که در ایران است نباشند."

گول این شایعات را بخورند. زیرا خلق ترکمن بخوبی می‌دانند نباید قربانی توطئه‌های خارجی گردد. همان طور که می‌بینید اوضاع شهر آرام است و مادر مقابل دولت ناپستاده‌ایم و یا اسلحه به دست نگرفته‌ایم.

در مورد مهاجرت ترکمن‌ها به نزدیک مرزها او این مسئله را تأکید کرد و علت آن را هم ترس و وحشت مردم از کشت و کشتار دانست.

منتها می‌گفت که عده آنها زیاد نبود و آنهایی که به نزدیک مرزها رفته‌اند چون هم اکنون فهمیدند در شهر خبری نیست دارند بر می‌گردند.

به نظر او هیچ خطری و مسئله‌ای در گنبد وجود ندارد و تمام چیزهایی که شنیده می‌شود شایعه است و مستعد بود که این هم بخودی خود از ذهن کسانی که فکر می‌کنند خطر موجود است از بین خواهد رفت. و همین طور که این ترس و وحشت از اوچ خود گاسته شده است و از طرفی معتقد نبود که مسئله ترکمن که مرکزی ترین آن زمین می‌باشد حل شده و بحث این مسئله باقی خواهد بود.

سیس از ایشان در مورد خلع سلاح مردم و چگونگی بر خورد، جهت به دست آوردن حقوق پایمال شده و جهت این برخورد چطور باید باشد، سؤال شد. در این مورد ایشان پاسخ دادند.

هر مسئله که در اینجا وجود دارد باید از طریق مذاکره و رابطه دیپلماتیک صورت گیرد. ما معتقدیم با اسلحه نمی‌شود این مسئله را حل کرد. بلکه ما در این منطقه نه خواستار جنگیم نه درگیری بلکه مسائلمان را حتماً از طریق مذاکره حل خواهیم کرد. بقیه در صفحه ۷



در روستاها

قیمت خرید گندم داخلی را افزایش دهید

کشاورزی است. این قیمت باید مناسب باشد. رشد هزینه تولید و کالاهای مورد مصرف کشاورزان باشد تا آنها را به ادامه دادن کار کشاورزی امیدوار نماید.

در چنین شرایطی سیاست دولت در اختصاص دادن بودجه کمی برای خرید گندم از خارج در مقابل پائین بودن قیمت خرید گندم در داخل به چه معنی است؟ و به هر حال هر چه دلیل و توجیه برای این سیاست آورده شود ادامه آن چیزی جز بی توجهی به دهقانان نمی تواند باشد. به عبارت دیگر دولت هنوز نتوانسته است در این مورد دست و پای خود را از بندهای رژیم گذشته رها کند.

دولت باید به سیاست های رژیم گذشته در زمینه عدم حمایت از دهقانان و کشاورزان به یک باره و قاطعانه پایان دهد و اختصاص دادن بودجه های کمی به خرید محصولات کشاورزان و افزایش قیمت خرید و تامین مواد و وسائل مورد نیاز کشاورزی، افزایش سرمایه بدون امید به یک قیمت مناسب برای فروش محصولات خود، با علاقه بکار کشاورزی ادامه دهند.

یکی از ابزار اساسی رشد کشاورزی ملی تعیین قیمت خرید مناسب برای تولیدات

دهقانان خرده پا و کشاورزان از قیمت خرید محصولات خود بخصوص گندم ناراضی هستند. از طرف دیگر دولت هنوز برای خرید گندم از خارج بودجه کمی اختصاص میدهد. و سیاست دولت در این زمینه روشن نیست. رژیم شاه در حالی که قیمت خرید گندم از کشاورزان در ایران را در سطح کیلویی ۸ تا ۱۵ ریال نگه میداشت در مقابل برای خرید گندم از خارج تا کیلویی ۳۰ ریال و گاهی بیشتر می پرداخت. سیاست رژیم شاه در این مورد روشن بود: ناسود کردن کشاورزی ملی و حمایت از منافع امپریالیستها و تجار وابسته به آنها.

امروز اگر چه با افزایش قیمتها، قیمت خرید گندم از کشاورزان به کیلویی ۱۸ ریال رسیده ولی این هنوز به هیچ وجه معنی حمایت از کشاورزان نیست، چرا که قیمت محصولات مصرفی زندگی و قیمت کود شیمیائی، سموم مورد مصرف کشاورزان و سایر مواد و وسائل مورد نیاز کشاورزی، افزایش سرمایه بدون امید به یک قیمت مناسب برای فروش محصولات خود، با علاقه بکار کشاورزی ادامه دهند.

یکی از ابزار اساسی رشد کشاورزی ملی تعیین قیمت خرید مناسب برای تولیدات

نامه یک روستائی سابق دزج (همدان)

در رنجبر شماره ۲۱ گزارشی از روستای دزج همدان چاپ کردیم. در این گزارش ضمن تشریح ستم های یک زمین دار و مباشرش بر دهقانان، از یک دهقان مبارز (حسین گوش بر) نام برده شد که پس از پنج سال مبارزه و درگیری با دستگاههای طاغوتی امروز دیگر در ده ساکن نیست و در تهران کارگری می کند. هفته گذشته این روستائی مبارز و کارگر زحمتکش به دفتر رنجبر آمد و گفت که بعد از خواندن گزارش در رنجبر تصمیم گرفته است به اینجا بیاید و با ماصحبت کند. او ضمن تشکر از احاطات شما، گفت: «هائ، شخصه به مصیقه هستند از شما استمداد می طلبم. مطالبی است که می خواهم از طرف ۲۰۰۰ نفر از این طریق به گوش ملت غیور ایران برسانید. اکنون که انقلاب اسلامی ایران مراحل نهائی پیروزی خود را طی میکند از دولت انقلابی اسلامی بهره بری امام خمینی و دولت ملی مهندس بازرگان می خواهیم که جلوی افراد خائن و خود فروخته که هنوز به رژیم گذشته فکر می کنند و مسئول مستقیم ایجاد تفرقه و دو دستی و خوف و ترس بین دهقانان این ده می باشد را بگیرند. این شخص به نام سلیم مبینی که وابسته به دربار، شاه متفرد پهلوی بود، عکس پاشا

مصیقه هستند از شما استمداد می طلبم. مطالبی است که می خواهم از طرف ۲۰۰۰ نفر از این طریق به گوش ملت غیور ایران برسانید. اکنون که انقلاب اسلامی ایران مراحل نهائی پیروزی خود را طی میکند از دولت انقلابی اسلامی بهره بری امام خمینی و دولت ملی مهندس بازرگان می خواهیم که جلوی افراد خائن و خود فروخته که هنوز به رژیم گذشته فکر می کنند و مسئول مستقیم ایجاد تفرقه و دو دستی و خوف و ترس بین دهقانان این ده می باشد را بگیرند. این شخص به نام سلیم مبینی که وابسته به دربار، شاه متفرد پهلوی بود، عکس پاشا

نامه ای از گرگان مجلس خبرگان و مالکیت ارضی

یکی از خوانندگان طی نامه ای در مورد وضع مالکیت ارضی در گرگان و گنبد کاووس می نویسد و لزوم تمایز گذاری میان مالکیت فئودالها با دهقانان را یادآور میشود:

"همانطوریکه میدانید ۸۵٪ از جمعیت ایران روستا نشین و کشاورز میباشند و حیاتشان بستگی به زمین زراعتی دارد و حالا می خواهم سؤال کنم در قانون اساسی کدام مالکیت محترم شمرده میشود و مالک قابل احترام از نظر قانون اساسی کدام است؟ بهمین منظور تحقیقی از منطقه ترکمن صحرا و گرگان بطور اجمالی بعمل آوردم که در ذیل از نظر گرامیتان میگذرد:

منطقه ترکمن صحرا و گرگان و دشت هزاران هکتار زمین زیر کشت دارد که در واقع مصرف غلات کشور عزیزمان را این منطقه تأمین میکند. این زمین های زراعتی تماماً در دست یکده مالک می باشد که از سال ۱۳۴۲ بر اساس انقلاب کنیف ششم بهمین باتها رسیده است و عموماً "مالکان فعلی زمین های زراعتی این منطقه امیران باز نشسته ارتش و فئودالهای سابق میباشند.

قبل از ۱۳۴۲ در ترکمن صحرا و روستاهای آن مقدار زیادی زمینهای زراعتی موجود بود که روستائیان این زمینها را از پدران خود به ارث برده و به کشت و زرع مشغول بودند و در همین رابطه زمینهای زراعتی فاقد سند مالکیت بودند. بهمین منظور رژیم "عاری از مهر" بخاطر خوش خدمتی به باز نشستهگان ارتش و دادن حق سکوت به آنها که مبادا علیه حکومت مرکزی اخلاص کنند این زمینهای زراعتی را بویژه در ترکمن صحرا بوسیله اداره اختصاصی و املاک پهلوی با توطئه و تردستی های خاص به این افسران واگذار میگردد.

این عمل بوسیله وزارت دربار انجام

میشد و افراد را به اداره حسابداری اختصاصی و املاک پهلوی معرفی میکرد و مقدار ۵۰ الی ۱۰۰ هکتار از زمینهای زارعین را که مشغول کشت بودند بنام نامبردگان سند مالکیت جدید صادر مینمود.

البته روستائیان با تصرف شدن زمینشان بوسیله دربار به مقابله برمیخاستند ولی از آنجائیکه مالک جدید از طرف دربار حمایت میشد این قانون فساد پرور حق مالک جدید را محترم میشمرد! اغلب خانه مسکونی این روستائیان در همان زمینها بود که این خانه ها بوسیله ما مورین نظامی ویران میگشت و زمین بوسیله مالک جدید اشغال میشد.

روستائیانیکه باینصورت بی زمین مانده بودند و این زمینها را از اجداد خود بارت برده بودند دور راه برایشان وجود داشت. یا به شهرها مهاجرت کنند و جذب شهرها گردند و یا اینکه در همان زمینهای زراعتی که از خود آنها بود کار کنند و بر اساس حق از تمام محصول مزد بگیرند.

حالا آنچه را که در قانون اساسی بصورت مالکیت عنوان شده بسیار قابل بحث است که باید کاملاً در نظر گرفت زیرا قانون اساسی باید روشن کند کدام مالک را محترم بشمارد؟ روستائیان و خرده مالکین که زمینهای خود را از دست دادند و جذب شهرها شدند یا امیران ارتش و فئودالهای رعیت پرور که دارای سند مالکیت از طرف "عاری از مهر" هستند؟ کدام اینها از نظر قانون مالک شناخته میشوند؟ قانون اساسی اگر میخواهد به قرآن هم مراجعه کند باید باین آیه توجه نماید: "الناس مسلطون علی اموالهم"

از طرف دیگر در سازمان "اصلاحات ارضی" زمینهایی که بزور سر نیزه از روستائیان گرفته میشد دوباره بهمین روستائیان بصورت دراز مدت یعنی ۱۲ ساله فروخته میشد و عملاً همانطوریکه مشاهده میکنید پایه و اساس "اصلاحات ارضی" وسیله ای برای ثروت اندوزی خاندان پهلوی بود.

در اینصورت می بینید چگونه روستائیان

مجلس خبرگان و مالکیت ارضی

زمیندار را به فلاکت و بی خانمانی میکشاندند و چگونه زمینها را از بد روستائیان خارج و به امیران ارتش میفروختند. برای اینکه بیشتر با این سیستم آشنا شویم میتوانیم به درآمدهای کلان اداره حسابداری اختصاصی و املاک پهلوی گرگان رجوع نمائیم.

یکی از علل مهاجرت روستائیان به شهرهای همجوار بعلت نداشتن زمین زراعتی میباشد که دولت باید باین توجه نماید و بهمین خاطر هست که میگوئیم نمایندگان مجلس خبرگان باید مالکیت را بر اساس موقعیت و چگونگی شرایط هر منطقه در نظر بگیرد یعنی مجلس خبرگان باید مالکیت را مطابق چگونه بدست آمدن آن، مورد بررسی و تحقیق قرار دهد. در غیر اینصورت قانون اساسی نمیتواند از مالک واقعی دفاع نماید و چنانچه این تحقیق و بررسی صورت نگیرد عملاً "قانون اساسی از مالک غاصب دفاع کرده است و در این جا حق مالک واقعی پایمال میگردد.

همانطوریکه اطلاع دارید در موقع برداشت محصول امسال در ترکمن صحرا، روستائیان که قربانی انقلاب ششم بهمین "عاری از مهر" فئودال پرور شده بودند، از برداشت محصول مالکین فعلی جلوگیری نمودند و دولت موقت جمهوری اسلامی بایک سیاست محتاطانه و کتک به عمران روستاها، اجازه برداشت ۲۰٪ از محصولات کشاورزی این خود معرف بحق بودن روستائیان از ملک تصرف شده آنها میباشد.

پیش نویس قانون اساسی که مورد بررسی مجلس خبرگان قرار گرفت آیا در صدی از زمینهای زراعتی برای روستائیان و مالکین قبل از ششم بهمین ۱۳۴۲ خواهد گذاشت و یا مالکین فعلی با سند مالکیت "عاری از مهر" را محترم خواهد شمرد؟

گرگان - فیل محمود
۱۳۵۸/۵/۲۸

گفتگویی با دهقانان قلات (فارس)

ما در شماره ۲۱ "رنجبر" گزارشی از اوضاع و خواسته های مردم ده قلات فارس داشتیم که به دلائلی کامل و گویا نبودند. ما این جریان را دنبال کرده و باز هم به

رحمتکنان می دانند. این برادران قبلاً هم با توام در رابطه بوده و خود را کدخدا و رئیس ده می دانستند و حالا با بستن همین قرار دادها توسط ثبت شیراز دستشان باز

مصاحبه دکتر یزدی

قدرتها میدانیم. زیرا کشورهای عضو جنبش در دنیای سوم دارای نیازها و خواسته های مشابهی هستند و میتوانند بر اساس این نیازها در سیاست خارجی خود برای مبارزه با سلطه اقتصادی ابر قدرتها جنبه واحدی بوجود

زحمتکش به دفتر رنجبر آمد و گفت که بعد از خواندن گزارش در رنجبر تصمیم گرفته است به اینجا بیاید و با ماصحبت کند. او ضمن تشریح اچاقاقات و زور گوئی های شخصی به نام سلیمی به دهقانان دزج گفت که هم اکنون بسیاری از اهالی ده برای تامین مخارج زندگی خود آواره شهرها هستند. حدود ۲۰۰ نفرشان برای کار به کویت می روند در حالی که خانواده هایشان در ده هستند.

تا کنون شکایات زیادی از این شخص به دادستانی قروه گردستان، بازرسی نخست وزیری، منابع طبیعی و غیره شده است. ولی از آنجا که این شخص در ادارات و دادگاهها نفوذ داشته و هنوز هم نفوذش پا بر جاست و حالا در کمیته هم نفوذ دارد به شکایات توجهی نشده است.

در ضمن او نامه ای به ما داد که در رنجبر چاپ کنیم.

تاریخ ۵۸/۵/۲۷

بسمه تعالی

گذری به روستاهای ایران
دزج همدمان

از طرف کشاورزان قریه دزج، حسین مشتاقی که سالهاست دنبال این شکایت را گرفتیم.

سلام به دوستان مطبوعاتی و رسانه های گروهی که برای پیشبرد انقلاب اسلامی و وطنان و دهقانان و اساسا " برای اقشار خلق که شب و روز زحمت می کشند و از هر نظر در

گفتگویی با آوارگان

سؤال کردم نمی خواهی دوباره به میدان مبارزه برگردی؟ جواب داد چرا منظریم که پایم بهتر شود و قدرت دویدن و راه پیمایی را پیدا کنم.

کودکی تقریبا " ۱۰ ساله پیش دستم نشسته است و در این مدت با هوشیاری تمام به حرف هایمان گوش میدهد. می پرسد در اینجا چه میکنی؟ میگوید راننده شده هستیم پدرم چریک بود و بوسیله نیروهای دولتی کشته شد و حالا من با مادرم و برادرم باینجا آمده ایم چون آنجا امن نبود سربازان هر خانواده ای که یکی از اعضای آن مبارزه کند میکشند و خانه ها و زمین هایشان را با آتش میکشند و سلطان احمد گفته های آن بسرکرا تأیید میکند و میگوید رژیم تره کی به خانواده های مبارزان رحم نمیکند خانه ها و مزارعشان را به آتش می کشد و آن ها را از هستی ساقط کرده و آواره میکند. همه ی

ایجاد تفرقه و دو دستگی و ترس بین دهقانان این ده می باشد را بگیرند.

این شخص به نام سلیم معینی که وابسته به دربار شاه منغور پهلوی بود، عکسی با شاه منغور گرفته هنوز در خاندان هست و سخن رانی به طرف ناری شاه منغور کرد. در لحظاتی که مردم غیور ایران مقابل آتش دشمن با فداکاری تمام و از جان گذشتگی مقاومت می کردند، این شخص (سلیم معینی) اعلام همبستگی خود را از دولت منغور پهلوی کرده بود و در این ده مردم را به پایکوبی و سرور شادمانی دعوت کرده بود.

این مزدور ضد انقلابی وابسته به دربار، در دوران حکومت رژیم با همدستی ساواک و دستیاران رژیم، تمام اراضی این ده را در حدود ۳۰۰۰ هکتار مراتع زمین گندم زارها را با تراکتور شخم زد و ۲ قنات اهالی را غصب کرد.

سلیم معینی به مدت ۴۰ سال حکمرانی صدای ۲۰۰۰ نفر را در گلو خفه کرد و اهالی این ده را به کویت و شهرستانها آواره کرد.

یک نفر حیلله گر خون آشام به نام سلیم معینی با دستیاران رژیم با زور سر نیزه به وسیله دو گروهان ۱۷ نفری زاندار ما ضای مجبوری از اهالی گرفت، در قروه پیرونده جعلی درست کرد و ۴۰ سال خون ۲۰۰۰ نفر را کشید.

او سالی یک میلیون تومان بهره برداری از این اراضی کرد، حالا با کمیته قروه هم همدست است و دز این انقلاب هم اراضی غصب شده توقیف نشده است.

این هائی را که شما در حال حاضر اینجا می بینید خانه وکاشانه و وسایل زندگی خود را از دست داده اند و عامل تمام این سیه روزی ها هئیت حاکمه و اربابان شان هستند.

ارتش شوروی مستقیما " در سرکوب ها دخالت میکند مثلا " خلیبان روسی در بمباران ها شرکت فعال و مستقیم دارند و ارتش افغانستان توسط افسران و مستشاران روسی مستقیما " فرماندهی و رهبری میشود. چند ساعتی است که در بینشان نشستام مردمانی ستم کشیده و محروم اند و در نگاههایشان امید به آینده و مبارزه برق میزند.

تصمیم به خداحافظی میگیریم بلند می شویم و با آرزوی موفقیت برای خلق افغانستان از آن ها جدا می شویم چند قدمی بدنبالمان می آیند و با چشمانی پر امید بدرقه مان میکنند.

ما در شماره ۲۱ " رنجبر " گزارشی از اوضاع و خواسته های مردم ده قلات فارس داشتیم که به دلائلی کامل و گویا نبودند. ما این جریان را دنبال کرده و باز هم به میان مردم زحمتکش قلات رفتیم. آنها از ما استقبال کردند و از آنها آموختیم. گزارشی که در زیر می آید حاصل این نشست مابا اهالی زحمتکش قلات می باشد.

ده قلات در سی و پنج کیلومتری شمال غربی شیراز واقع شده و جمعیت آن پنج هزار نفر می باشد که اکثرا " دهقان هستند. محصولات ده عبارتند از گندم، جو، عدس، انگور دیم، انار، سیب، و گردو و دیگر میوه جات. زمینهای قابل کشت این ده در حدود شش هزار هکتار است که هر ساله بیشتر آن زیر کشت دیم و آبی می رود. جریان مالکیت این زمینها همانطور که در شماره قبلی " رنجبر " آمده بر می گردد به سالهای قبل از سال ۱۳۰۰ که در آن وقت کشاورزان ۶۱۲ تومان به عنوان حق مالیات به دولت وقت می پرداخته اند.

پس از روی کار آمدن رژیم منغور پهلوی " قوام " مالک قدرتمند فارس میشود و این ده قلات که از آب و هوایی خوب و مطبوعی برخوردار است را به عنوان هدیه از پهلوی دریافت می کند و با موصول مالیات از ده می شود. " قوام " پس از مدتی ادعای مالکیت ده را می کند و دیگر تنها به موصول مالیات سیر نمی شود اهالی ده شدیداً اعتراض می کنند و تن به این کار نمی دهند.

قوام منغور دست نشانده رژیم پهلوی کتیف، به سرکوب اهالی می پردازد. این مبارزه بین دهقانان و رژیم منغور پهلوی ادامه داشته و به درگیری های هم منجر شده است. در زمان پهلوی دوم با زور و تهدید و ارعاب یک قرار داد غیر عادلانه ای به اهالی این روستا تحمیل می کنند که در این قرار داد حقوق اهالی روشن نبوده و این قرار داد همیشه جماعتی بوده برای سرکوبی و غصب زمینهای روستائیان این ده.

بالاخره پس از انقلاب اخیر که بساط زور و قلدری پهلویها و قوامها در هم ریخت، مردم زحمتکش " قلات " هم به دعوت انقلاب لیبیک گفتند و بسی شادمان که الان دیگر به این ماجراها و ستمها خاتمه داده خواهد شد.

ولی تازه ماجرای مردم شروع شده، به این ترتیب که سرپرست ثبت شیراز با گرفتن رشوه از چهار برادر اهالی آنجا این ۴ نفر را مالک اصلی این زمینها دانسته و با زهمان قرار دادهایی نا روشن و اسارت بار را به مردم تحمیل کرده. این چهار نفر با پشتیبانی یک سرهنگ باز نشستهم اکنون خود را مالک این زمینها و آب و سترنج این

زحمتکشان می دانند. این برادران قلات " هم با قوام در رابطه بوده و خود را کدخدا و رئیس ده می دانسته اند و حالا با بستن همین قرار دادها توسط ثبت شیراز دستشان باز شده که با زور و تهدید مانع خانه سازی و کار مردم می شوند.

چند روز پیش هنگامی که یک نفر از اهالی ده مشغول خانه سازی برای خود بوده این به اصطلاح مالکین برای آنها زاندارم آورده و با اسلحه آنها را تهدید کرده اند. مردم ده می گویند ما سالها با رژیم طاغوت جنگیدیم حتی زمان مصدق بیل بر روی دوش برای دولت ملی شعار دادیم. ما در برابر آدم قلدری مثل قوام ایستادیم حتی سالها حق مالکیت نا چیز هم به او ندادیم الان هم برایمان کاری ندارد که بر سر این توجهها بریزیم و حسابشان را برسیم ولی ما چشم امیدمان به مقامات مسئول شهرستان است. ما بارها شکایت خود را به استانداری و آیت الله ربانی شیرازی و اداره ثبت ارائه دادیم آقای ربانی شیرازی قول دو ماهه به ما داد که قضیه ما را حل کند الان چهار ماه است خبری نیست.

استانداری هم ما را به اداره ثبت خدمت سید مهدی سجادی مدیر کل ثبت استان حواله داد و وقتی ما به آنجا مراجعه کردیم فوراً " آن سرپرست ثبت را به عنوان مرخصی فراری دادند اکنون ما تمام مقامات مسئول استان و مملکت سؤال می کنیم شخص مهمی که پست سرپرستی اداره ثبت شیراز را دارد و چنین خطائی هم کرده و باید به خاطر این کارش محاکمه اداری بشود آیا درست است که به جای توبیخ این شخص به ایشان مرخصی بدهند؟ ما مردم قلات می گوئیم اگر این مقامات نمی توانند مشکل مردم را حل کنند محترمانه جای خود را به افراد دیصلاح دیگری بدهند.

ما مردم قلات از انقلاب اسلامی پشتیبانی می کنیم و به همین خاطر هم سعی می کنیم تا حد امکان این مسئله به خوبی و مسالمت آمیز حل و فصل شود و در ضمن گله و شکایت خود را هم از این مقامات به گوش مردم می رسانیم.

در پایان به خاطر اینکه ما صدای اهالی زحمتکش قلات را به گوش مردم و مقامات رساندیم از رنجبر تشکر کردند و ما را مورد محبت قرار دادند. ما هم متقابلا " از اینکه این زحمتکشان رنجبر را در بین خود پذیرفته اند تشکر می کنیم ما از این رنجبران بسیار آموختیم و تا آخر با آنها هستیم و از همه خواسته های مشروع و به حق آنها پشتیبانی می کنیم.

در دنیای سوم دارای نیازها و خواسته های مشابهی هستند و میتوانند بر اساس این نیازها در سیاست خارجی خود برای مبارزه با سلطه اقتصادی ابر قدرتها جبهه واحدی بوجود آورند.

سخنان دکتر یزدی، نشان دهنده سمت صحیح ضد امپریالیستی و ضد استعماری دولت بازگان است ماضمن پشتیبانی از این مواضع اصولی دولت، برای هئیت نمایندگی ایران آرزوی موفقیت هرچه بیشتر در پیشبرد هدفهای ذکر شده بالا را در کنفرانس کشورهای غیر متعهد داریم.

نهضت آزادی

عده ای که آگاهانه ولی نه ضد انقلابی به خشونت دامن میزنند.

عده ای که ناآگاهانه بخاطر جهالت و عدم شناخت سیاسی و تاریخی و برای دلسوزی به حال انقلاب خشونت بخرج می دهند.

۱) لزوم هشیاری در مقابل انقلاب و اینکه اختلاف در اندیشه و مرام فلسفی یا مذهبی و در برنامه های سیاسی اجتماعی امری طبیعی است. بنابراین باید در بین نیروهای مخالف تمایز گذاری کرد و بر اساس مواضع سیاسی، اجتماعی آنها، وابسته بودن به غرب و شرق و یا مستقل بودنشان شناخت پیدا کرد نه آرزوی خصوصیات ظاهری و سطحی آنها.

بیانیه قاطعانه در مقابل هر عملی که روابط و مناسبات گروههای سیاسی عکتبی را بطرف خشونت بکشاند موضع گرفته و هشدار میدهد که هر نیرویی چنین عمل کند آب به آسیاب ضد انقلاب و استعمار جهانی میریزد.

۲) هشدار به گروههایی که در پوشش آزادی بیان و اندیشه و اجتماع برای ضربه زدن به انقلاب استفاده می کنند و اعلام می نمایند که باید با آنها مقابله شود چرا که هر نوع اهمالی ضربه به انقلاب خواهد زد. در این قسمت بیانیه نمونه " آیندگان "

را میزند که عده ای چه نما چگونه از آن برای ایجاد بلوا استفاده کردند. در عین حال از آن دوستان جاهل که باعث کرده های خود، مواضع بدست آمده را به ضد انقلاب پس میدهند گله می کنند. همچنین از برخی رهبران روحانی و مذهبی ای که بجای ارشاد دوستان جاهل آنها را تشویق نیز می نمایند و بدینوسیله امکان تحریک و دامن زدن به جنگ و آشوب را برای ضد انقلاب فراهم می سازند، انتقاد می کنند.

چپ نماها و ..

همگی می دانند مورد پشتیبانی و تأیید امام خمینی هم هست، امریکائی است.

اشکال تئوریهایی که چپ نما از چند جانب است. اولاً "به واقعیت احترام نمی گذارند و عمل را معیار قرار نمی دهند. آنها بر این واقعیت سترگ چشم می بندند که انقلاب ایران به رهبری امام خمینی بزرگترین ضربه را به امریکا زد و پس از انقلاب هم جنبش های بزرگ توده ای در سراسر ایران علیه امریکا بر پا شده است. ثانیاً، درک نمی کنند که با حمله به دولت عملاً از مبارزه علیه امپریالیسم حتی همان امپریالیسمی که هنوز معتقدند در ایران عمده است یعنی امریکا سرباز می زنند. در ۶ ماه فعالیت سازمان چریکها چه در زمینه تبلیغاتی و چه در زمینه های دیگر گواه خوبی است بر اینکه لبه تیز حمله ای این سازمان روبه دولت بوده است.

ثانیاً "از خطر شوروی به عنوان یک قدرت تجاوزگر و استثمارگر غافل مانده و درست به خاطر یک جانبه گری در حمله به دولت و ارزیابی نادرست از اینکه در ایران هنوز امریکا، امپریالیسم متروقی و مسلط است و دولت بازرگان وابسته به آنست، امپریالیسم روس را نا دیده گرفته و حتی کار را به جایی رسانده که آنرا "سوسیالیستی" و دوست انقلاب ایران می نامد.

انحراف در این زمینه، انحرافات بزرگی را در کردستان بوجود آورده است که ما در زیر به آنها بر خورد خواهیم کرد.

۲- تئوری دفاع از "حق ملی"

بهر شکل و بهر صورت و تحت رهبری هر حزبی، یک تئوری نادرست است. چپ نماهای ما که تا دیروز بر اثر رقابت با حزب دمکرات کردستان آنرا حزب فئودالها و سران عشایر می نامیدند امروز زیر پرچم آن در مبارزه مسلحانه ضد انقلابی علیه دولت مرکزی شرکت دارند. این دیگر به الفبای مارکسیسم تبدیل شده است که در مساله ملی باید اولاً مناسبات آنرا با امپریالیسم مشخص کرد و ثانیاً "حل آن را در جریان یک مبارزه طولانی مشترک کلیه خلقهای ستمدیده یک کشور علیه امپریالیسم دانست.

در دوران ما درست به خاطر وجود امپریالیسم که دشمن عمده و مشترک کلیه خلقهای ستمدیده است، اصالت هر مبارزه ملی را با یک معیار اساسی ضد امپریالیستی و یک معیار درجه دوم یعنی وحدت گرائی با دیگر خلقهای ستمدیده، می توان سنجید. ضد امپریالیست بودن یک جنبش ملی در کشور ما که از انقلاب بیرون آمده و موضع روشن ضد هر دو ابر قدرت یعنی هم امریکا و هم شوروی را دارد، همانا ضد هر دو ابر قدرت بودن است و چنانچه هر گونه تزلزلی نسبت به یکی از آنها داشته باشد بهیچوجه آنرا ضد امپریالیست نمی توان خواند.

گونه روحیه ای حرج سوا کردن، جدائی طلبی، به سود امپریالیسم تمام شده زچند بسا این یا آن ابر قدرت بر گردهی آن جنبش سوار شود.

۳- تئوری "انقلاب ارضی و جنگ دهقانی علیه کلیه مالکین" سوا یا نادرست بوده، مرحلهی انقلاب را در نظر نمی گیرد. در کشور ما هنوز انقلاب دمکراتیک، انقلابی که باید از یکسو نفوذ کامل امپریالیسم را قطع نماید و از سوی دیگر هر گونه بقایای فئودالی و عشیرتی را نابود سازد به ثمر نرسیده است. در این انقلاب زحمتکشان شهر و ده نیروی عمده را تشکیل می دهند و تنها طبقه کارگر از طریق حزب سیاسی اش است که می تواند آنرا به ثمر رسانده و راه را برای انقلاب سوسیالیستی باز نماید. پریدن از این مرحلهی انقلاب، به معنی نفی متحدین طبقه کارگر است. طبقه کارگر در این مرحله باید تضاد عمده که امپریالیسم است را در نظر بگیرد و با معیار عمده بودن مبارزه ضد امپریالیستی هم منافع آتی خود و هم منافع آتی دهقانان را حل کند. در روستاهای ماهر گونه مالکبچه از لحاظ نوع تولید و چه از لحاظ مقدار زمین موجود است. باید بین مالکین سرمایه دار متوسط و کوچک که ملی است و مالکین فئودال و وابسته تما یزگذا رد. آتش حمله را به طور مساوی بر روی هر دو نوع مالک پخش کردن به معنی تمایز نگذا ردن بین دوستان و دشمنان انقلاب در مرحله کنونی است.

فرصت طلبی چپ این سه انحراف اساسی خط مشی را در کردستان، در صحنه ای عمل تکمیل کرده است و کردستان آزمونگاه می بوده تا این تئوری ها در عمل سنجیده شوند.

فرصت طلبی چپ در عمل با حزب دمکرات کردستان به سرکردگی قاسم نوکر امپریالیسم به ویژه امپریالیسم روس، بسا رویزونیستهای حزب توده هم سنگر شده و به اصطلاح به هم زمان مسلح علیه دولت مرکزی تبدیل گردیده اند و امروز کار را به جایی رسانیده اند که توده های وسیع مردم شعار ضد فدائی می دهند.

فرصت طلبی چپ درست به خاطر انحراف خط مشی و همچنین ارزیابی نادرست از اوضاع و در پیش گرفتن شیوه های ماجراجویانه، مجبور شد تا کردستان را به پایگاه اصلی خود تبدیل نماید و از مدت ها پیش تدارک مبارزه مسلحانه را در آن دیار ببیند. اما امروز این روزمندگان چپ نما مجبور شده اند که فرصت طلبی را به آخر بکشاند و با قاسم نوکر در یک سنگر قرار گیرد. ما باید در انتظار توجیه جدید آنها برای این وحدت نا مقدسشان باشیم.

اما وظیفه مبارزین سالم و انقلابی تحت هدایت آنهاست که برخیزند و نگذارند از این بیشتر انحراف ادامه یابد. مارکسیسم صداقت می خواهد، علم است و در آن جای دغل بازی نیست. هر کس که می خواهد مارکسیست باقی بماند باید در این اوضاع از

رنجبر

نگاهی به کارنامه ..

کرد؟ دولت ملی مهندس بازرگان حالا واقعا بر سر کار بود. دفتر زندگانی نوکر کهنه کار امپریالیسم یعنی محمد رضای جلاد بست شده بود و یک خلاء قدرت به جای آن نشسته بود. چه کسی می باید از این پس حکومت کند؟ باین سؤال گروه ها جوابهای متفاوت می دادند. آنان که خطر امپریالیسم را به خوبی حس کرده و از آن شناخت دقیقتری داشتند، می گوشتند تا با تمرکز فواد دور محور دولتی که منتخب امام خمینی یعنی رهبر توده های میلیونی خلق بود، راه بازگشت مجدد امپریالیسم را چه از غرب و چه از شرق سد نمایند.

در مقابل اینها کلیه تفاله های باقی مانده از رژیم سابق بودند که هنوز میگوشتند تا با جمع آوری نیروهای پراکنده خود و ضربه زدن بر انقلاب راهی برای بازگشت امپریالیسم کمر شکسته باز کنند. اما نیروی ثالثی هم بود. این نیروی سوم که رهبری آنرا چریکهای فدائی خلق داشتند از همان روزهای اول عملاً به کار شکی یا آن پرداختند. آنها "از نق نق زدن" شروع کردند و به زودی کار خود را به تبلیغات وسیع علیه دولت توسعه دادند.

آنها از هر گاهی گوهی ساختند و کوشیدند با استفاده سیاسی بردن از کلیه ناراضی ها (که در آن شرایط طبیعی بود) به اصطلاح برای خود آدم جمع کنند. اگر آنها پرچمی مخصوص برای خودشان انتخاب کرده بودند البته ما از آنها ایراد چندانی نمی گرفتیم زیرا که واضح بود دود این آتش افروزیهاشان به زودی به چشم خودشان خواهد رفت و شاید از آن درسی بگیرند. ولی آنها متأسفانه پرچم سرخ پرولتاریا را به دست گرفته بودند و در زیر همین پرچم پرافتخار بود که با کار شکیهایشان در راه پیشرفت کار دولت ملی آب به آسیاب امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم ریختند.

قبل از هر چیز رهبری چریکهای فدائی، به انتخاب اعضای کابینه مهندس بازرگان، خود او، وزیر جنگ او و ... پس چیزهای دیگر حمله کردند. می گوئیم "حمله چون کار آنها واقعا" همین بود و همه کسانی که در آن روزهای اول بعد از قیام در بحثهای آنها شرکت داشتند یادشان هست که چطور به اصطلاح سابقه "شرکت داشتن سر لشکر قهرنی در کودتای ۲۸ مرداد و سهامدار بودن مهندس بازرگان در یک کارخانه را وسیله ای برای عیب جوئی و حمله به دولت جدید کرده بودند.

که چه بشود؟ هدف شان از این کارها چه بود؟ آیا آنها که خود دولت مهندس بازرگان را "بورژوازی" ارزیابی می کردند توقع داشتند که افراد کابینه مهندس بازرگان از میان کارگران و یا کمونیستهای دو آتسه انتخاب شوند؟ مسئله تشکیل شوراهای در

این بحثها حالا دیگر کهنه هستند و لزوم چندانی در تکرار آنها نیست. ولی اشاره به آنها لازم است چرا که همین نق نق زدنهای اول کار و تبلیغات منفی بعدی آنها در رابطه با هر کاری که دولت ملی بازرگان انجام می داد و فعالیتهای علنی و مخفی بعدی به منظور کار شکنی در کارهای دولت ملی سبب شد که به تدریج شکاف عمیقی میان جنبه وسیع مسلمانان مبارز و نیرو های "چپ" که فدائیان علمدارش بودند بوجود آید. و از آنجا که این به اصطلاح چپ ها پرچم سرخ طبقه کارگر و مارکسیست - لنینیستها را بدست گرفته بودند این دره عمیق جدائی به تدریج شامل حال کمونیستها هم گردید و صدمات زیادی به جنبش نوین کمونیستی ایران که می رفت جای خود را در کنار صفوف مسلمانان مبارز و در جنبه وسیع ضد امپریالیستی خلق بیاورد.

این "رفقا" بی آنکه لحظه ای به عواقب کار خود بیاندیشند سبب شدند که جنبه "متحد خلق بزودی به دو قسمت تقسیم شود که در یک طرف جنبه وسیع مسلمانان مبارز با کلیه گروه بندیها و جناحهای آن قرار داشت و در طرف دیگر نیروهای "چپ" به اضافه بخشی از نیروهای ملی ولی ناراضی و کلیه غرب زده های رژیم طاغوتی و بخش وسیعی از نیرو های وابسته به امپریالیسم (طرفداران سلطنت، طرفداران بختیار، و غیره) .

از همین تضاد بود که عناصر باقی مانده ساواک و سیا و جاسوسان صهیونیستها منتهای استفاده را کردند و با نفوذ کردن در هر دو قسمت جنبه هر روز در یک جا به آتش افروزی پرداختند. آن وقت رهبری چریکهای فدائی باز هم از تجربه چند ماهه خود درس نگرفتند و هر روز در یک جا به خیال خود برای "دفاع از حقوق" کارگران، دهقانان، ملیتها، زنان، و ... و ... به دامن زدن به آتش های افروخته شده توسط امپریالیستها پرداختند. و حالا بعد از ترکمن صحرا و خوزستان و ... و ... نوبت پاره و سقر و کردستان است.

رهبری چریکهای فدائی خلق در شماره ۲۹ نشریه "خود کار" در رابطه با حوادث کردستان می نویسد "آنهاست که به این درگیریهای نا خواسته دامن میزنند، آنهاست که آتش بیار هر که شده اند، آنهاست که نا آگاهانه قربانی توطئه های حساب شده امپریالیسم امریکا، صهیونیسم جهانی و عوامل داخلی آن شده اند، اینک دارند ثمرات مبارزات قهرمانانه مردم ایران را نابود می کنند". باید از آنها پرسید کمی کلاه خود را قاضی کنید و بیاندیشید که چه کسانی به این درگیریهای نا خواسته دامن میزنند؟ و چه کسانی واقعا "آتش بیار هر که شده اند؟ آنها در همین مقاله می گویند "هر نیروئی که بخواهد در این شرایط بحرانی به جای راه حل سیاسی، راه حل

متحدینشان از طرف دیگر مشغول جنگ هستند مقصودتان از این "هر نیرو ... که بخواهد راه حل نظامی را در پیش گیرد" چیست؟ آیا مثل همیشه منظورتان دولت نیست؟ و آیا مثل همیشه هراتفاق سوئی را وسیله ای برای حمله به دولت ملی و سوار شدن بر نا رضایتی های بخشهایی از مردم ما نکرده اید؟ در اینجا باید پرسید آیا مسئول و تابع کردستان دولت ملی است یا آن کسانی که در رهبری حزب دمکرات قرار گرفته و بسا استفاده از نا رضایتی های مردم کردستان در صدد بر پا کردن آتش جنگ داخلی هستند؟ و بالاخره نقش امپریالیسم روس در اینجا چه می شود؟ آیا اگر گروه ها یا سازمانها یا احزابی بخواهند با افروختن جنگ داخلی راه را برای توسعه نفوذ اربابان سوسیال - امپریالیستشان باز کنند دولت ملی بازرگان نباید آنها را به شدیدترین وجهی سر کوب نماید؟

جواب رهبری چریک فدائی به این سؤال البته منفی است چرا که آنها ارزیابیهای متفاوت از ارزیابی ما دارند. آری بزعم رهبری چریکها ما با دولتی طرف هستیم که در آن "نیروهای جدیدی ... با سرمایه داران وابسته به شراکت نشستند و ... به علت ماهیت طبقاتی شان هرگز قادر نیستند سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را نابود کنند. ... (نقل از پاسخ به مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی "صفحه ۲۲) و "بیش از هر چیز متکی به ارتش دائمی مسلح خویش برای اعمال قهر ضد انقلابی علیه کارگران و زحمتکشان است" (همانجا صفحه ۳۴)

اگر دولت بازرگان این چنین است پس مسلماً فرستادن نیرو به پاره و کوش آن در سرکوبی تفنگداران حزب دمکرات نیز بخشی از "اعمال قهر ضد انقلابی" اوست و باید آن را محکوم کرد و با آن جنگید! خلاصه کنیم موضعگیری رهبری چریکهای فدائی این بار نیز همچون کلیه موارد دیگر در طی شش ماه گذشته التقاطی، نادرست و عملاً خدمت به ضد انقلاب است. آنها با ارزیابی نادرست خود از اوضاع موجود، تحلیل نادرست خود از مرحله انقلاب ایران، تحلیل طبقاتی نادرست از جامعه ایران و مناسبات این طبقات، تحلیل نادرست از ماهیت دولت، تحلیل نادرست از اوضاع کنونی جهان و بالاخره شناخت ناقص خود از امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم، عملاً چنان موضعگیری می کنند که هر بار اعمالشان آنها را "آتش بیار هر که" و "قربانی توطئه های حساب شده" امپریالیسم امریکا، صهیونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم روسیه و عوامل آنها در ایران می نماید. آنها چه بخواهند و چه نخواهند به امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آنها خدمت می نمایند. ما از اس. س. س. خواهیم که شد تا طبع

و هم شوروی را دارد، همانا ضد هر دو ابر قدرت بودن است و چنانچه هر گونه تزلزلی نسبت به یکی از آنها داشته باشد بهیچوجه آنرا ضد امپریالیست نمی توان خواند. وحدت گزائی هم معیار نیست که ماهیتا ناشی از معیار اولی است یعنی درست به خاطر اینکه بر دشمن می توان پیروز شد و درست به خاطر منافع مشترکی که ستمدیدگان ملی با هم دارند آنها باید در مبارزه علیه امپریالیسم که عمده است متحد شوند. هر

مسئله ارضی ...

کنند لذا همین فئودالها با تکیه به دستگاههای دولتی در جریان اصلاحات ارضی نه تنها چیزی از دست ندادند بلکه با استفاده از قدرت خود زمینهای دهقانان را نیز غصب کردند.

ما در این نوشته سعی می کنیم با تکیه به آمار موجود گوشه ای از مسئله ارضی و ویژگیهای فئودالیسم را در این منطقه نشان دهیم.

در این بررسی اساسا "تکیه ما روی آمار استانهای کردستان و کرمانشاهان است و به علت عدم دستیابی به آمار بخش های کرد نشین کردستان شمالی که بخشی از آذربایجان غربی محسوب میشود نتیجه گیری بیجان را بر مبنای آمار این دو استان انجام میدهیم. طبق آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۵۲، ما سه دسته اساسی زمین دار را در استانهای کردستان و کرمانشاهان می بینیم.

طبقه بندی در صد زمین داری نسبت به کل مساحت زیر کشت	در صد بهره برداری ها	نسبت به کل مساحت
تا ۵ هکتار	۴۲%	۷%
۵ تا ۵۰ هکتار	۵۵%	۶۲%
۵۰ هکتار به بالا	۲/۶%	۳۲%

چنانچه در جدول بالا دیده میشود، در کردستان ۴۲ خانوارهای دهقانی تنها ۷% زمینهای زیر کشت را دارند. این ۴۲ درصد از دهقانان فقیر و میان حال هستند، یعنی کسانی که از ۵ هکتار زمین کمتر دارند. در قطب دیگر، چنانچه از جدول مشاهده میشود، مالکین بزرگ ارضی هستند.

از این بیشتر انحراف ادامه باید. مارکسیسم صداقت می خواهد، علم است و در آن جای دغل بازی نیست. هر کس که می خواهد مارکسیست باقی بماند باید در این اوضاع از هر گونه توجیه و سامحه دوری ورزد و قاطعانه به دفاع از اصول آن بر خیزد. فرصت طلبی چه را باید مثل هر پدیده گندیده دیگری زد، و زدن در این مورد به معنی انتقاد و طرد است. این یک وظیفه انقلابی است که باید بدان هر چه زودتر دست زد.

اینها تنها ۲/۶ درصد خانوارها را تشکیل میدادند. اما ۳۳ درصد از کل زمینهای زیر کشت را در اختیار دارند.

این قطب بندی شدید، یعنی انبوهی دهقان فقیر و میانه حال روی مساحتی قلیل از زمین و معدودی مالک که صاحب کل زمین هستند، بخوبی مسئله ارضی، مسئله بی زمین دهقانان فقیر میانه حال پائین را نشان میدهد.

اما مسئله ارضی در کردستان مسئله تنها زمین نیست، مسئله فئودالیسم و بهره کشی فئودالی هم میباشد. وجود روابط عقب مانده فئودالی و نیمه فئودالی در تولید کشاورزی را از برخی از آمار در چند زمینهای زیر میتوان مشاهده نمود، یعنی:

- مقدار کار مزدوری در کشاورزی بسیار کم است.
- اجاره داری بسیار کم است.
- نفوذ ماشین آلات کشاورزی در تولید محدود است.
- ارتباط با بازار کم است.
- در رابطه با در صد پایین کار مزدی بجدول زیر توجه کنیم.

موضوع	در صد بهره برداری ها
کلیه کارها توسط خانوار کشاورز انجام میگردد	۵۴%
عمده کارها توسط خانوار انجام میگردد	۳۴%
عمده کارها توسط کارگر مزدور انجام میگردد	۱۰%

این جدول نشان دهنده رشد نازل سرمایه داری در این منطقه است یعنی فقط در ۱۰% از بهره بردارهای کشاورزی کارها عمدتا توسط کارگر مزدور صورت میگردد در حالیکه

بزرگی را بزرگوار می گردند توقع داشتند که افراد کابینه مهندس بازرگان از میان کارگران و یا کمونیستهای دو آتش انتخاب شوند؟ مسئله تشکیل شوراهای نیروهای نظامی و ایجاد ارتش خلق یکی دیگر از بهانه های آنها برای حمله به دولت بود. آیا واقعا "معتقد بودند که در تحت شرایط موجود امکان داشت "ارتش خلق" را با آن خصوصیات تشکیل داد؟ آیا واقعا آن طور که جار می زدند معتقد بودند که باید ارتش موجود منحل شود؟

میدانیم یکی از ویژگیهای رشد مناسبات سرمایه داری در کشاورزی رشد درصد استفاده از کارگر مزدور در کشاورزی است.

در رابطه با مسئله در صد پایین اجاره داری با رجوع کردن به آمار ملاحظه میکنیم که فقط ۶% بهره بردارهای کشاورزی که تنها ۱/۵% از مساحت کل زمینهای زیر کشت را دارند، اجاره دار هستند و یا تنها ۷% زمین (بصورت ملکی) اجاره ای است. در حالیکه اکثر زمینها بین ۹۷/۲% بصورت ملکی است.

در مورد در صد پائین نفوذ ماشین آلات در منطقه کافی است به این جدول توجه کنیم

ماشین آلات کشاورزی	
تعداد	% از کل کشور
۳۶۲۳	۱۰/۲%
۳۳۶	۱۳/۵%
۱۱	۰/۰۴%

علاوه بر این آمار باید اضافه کرد که در کردستان و کرمانشاهان فقط ۱۴/۶% از کل مساحت زمینهای زیر کشت با تراکتور شخم زده می شوند و این رقم خود به تنهایی سطح نازل رشد مناسبات سرمایه داری و عقب ماندگی تولید را در این منطقه نشان می دهد.

در رابطه با خصوصیت چهارم فئودالیسم یعنی رشد بسیار نازل روابط روستا ها با بازار فروش محصولات، می بینیم که مثلا "در کردستان ۶۶% از کل خانواده های کشاورز محصولات خود را به فروش نمی رسانند و در خانه مصرف می کنند. ۲۲% کمتر از نصف محصولات خود را می فروشند و فقط ۱۱/۶% بیش از نصف محصولاتشان را می فروشند

و چه کسانی آنها؟ آتش بیار مکرر شده اند؟ آنها در همین مقاله می گویند "هر نیروئی که بخواهد در این شرایط بحرانی به جای راه حل سیاسی، راه حل نظامی را در پیش گیرد باعث تشدید تضادهای داخلی می شود و چه بخواهد و چه نخواهد به امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن خدمت کرده است!" در اینجا باید گفت بیائید رگ و راست و صادق باشیم. هنگامی که نیروهای دولتی و پاسداران از یک طرف و تفنگداران حزب دمکرات کردستان و

یعنی ارتباط با بازار بسیار کم است و اساسا "خود کفا نیستند.

با این ویژگیها می توان گفت که فئودالیسم با تمام قوای خود در کردستان باقی مانده و کشاورزی و اقتصاد دهقانی این منطقه را در معرض نابودی قرار داده است. بهره کشی نیمه فئودالی از دهقانان علت اساسی عقب ماندگی عمیقی در کلیه شئون زندگی روستائی است. این امر را می توان در عقب ماندگی بازده تولید در هکتار دید.

بازده تولید گندم آبی و دیبی	
محل	عملکرد کیلوگرم در هکتار
کردستان	۲۲۳
کرمانشاهان	۳۴۷
مازندران	۱۵۲۸
کرمان	۱۸۵۷
سیستان و بلوچستان	۱۵۶۲
سمنان	۱۳۵۶
یزد	۱۹۱۳
فارس	۱۰۰۴
معدل کل کشور	۴۸۳

اگر همین آمار ناقص و محدود مسئله ارضی و ستم فئودالی را چنین بر جسته کند باید دید که واقعیت مسئله چقدر دردناک است.

واقعیت مسئله ارضی و استثمار ستم فئودالی پایه و اساس خیزش و گسترش یک جنبش وسیع دهقانی در کردستان ایسران بوده است. پس از سرنگونی رژیم منور شاه جنبش دهقانی در کردستان ایران اوج دیگری

می نماید. آنها چه بخواهند و چه نخواهند به امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آنها خدمت نمایند. ما از این پس خواهیم کوشید تا از طریق یک رشته مقالات، مواضع نا درست آنها را توضیح دهیم تا شاید افراد صادق در سازمان چریکهای فدائی خلق با تصحیح مواضع سازمان خود بتوانند آن چنانکه خواست واقعی اعضای ساده و هوا داران صادق این سازمان است، نقشی در پیشبرد انقلاب ایران داشته باشند.

گرفت. از طرف دیگر، فئودالهای ستمگر از هرج و مرج موجود سوء استفاده کرده و با ایجاد نیرو های مسلح خویش تشکیل اتحادیه های دهقانی به سرکوب جنبش به حق دهقانی پرداختند. در این صورت روستاهای کردستان به صحنه یک نبرد بزرگ و وسیع طبقاتی تبدیل شد.

با توجه به اینکه بیش از ۸۰ درصد جمعیت کردستان دهقان و در روستا ها هستند، مسئله ملی نیز در کردستان اساسا "مسئله دهقانی است.

در این اوضاع دولت بازرگان فرصتی عالی در دست داشت که با وحدت با جنبش دهقانی علیه فئودالها پایه های حکومت مرکزی را در این بخش از کشور بر جنبش انقلابی و اصیل بنا نهد. اما به واسطه سیاستهای نا درست و انحصار طلبانه، به خاطر عدم وحدت با تمام گروهها و طبقات خلقی و سایر تنگ نظریها، دولت مرکزی از جنبش دهقانی فاصله گرفت و در مقابل در مواردی با فئودالها متحد شد.

این امر ضربه شدیدی به نفوذ دولت ملی در کردستان زده و زمینه را برای فتنه جوئی های فرصت طلبان چپ، ضد انقلابیون و دار و دسته های مانند حزب دمکرات فراهم آورد، تا از این جنبش دهقانی و از گمبوه های دولت ملی سوء استفاده کرده و نیروهای انقلابی زحمتکشان را به سوی ضدیت با دولت ملی حرکت و سمت دهند.

ما معتقدیم که هنوز هم برای تصحیح این اشتباه وقت باقی است، و در واقع تنها راه اساسی مبارزه سیاسی واقعی و عمیق با فرصت طلبان و ضد انقلابیون، تصحیح این اشتباه، وحدت با دهقانان، مبارزه با فئودالها و تامین حقوق ملی خلق کرداست. سرکوب نظامی ضد انقلاب امری صحیح و لازم است، اما کافی نیست و در درازمدت تنها با بر آوردن خواست های به حق زحمتکشان کرد است که مبارزه واقعی با ضد انقلاب به پیروزی خواهد رسید.

شوروی

مدرن ترین وسایل پزشکی و با تجربه ترین پزشکها و پرستارها کار می کنند. وقتی انسان از کنار یکی از این بیمارستانها رد می شود، تصور می کند که اینجا خانه معمولی است ولی در داخل آن پر تجمل ترین بیمارستانها وجود دارد.

مردم شوروی هنوز اکثراً "با خانواده خویش در یک اطاق زندگی می کنند. به دست آوردن منزل یکی از مشکلات غیر قابل حل سرزمین تزارهای نو است. اغلب کارگران از تغییر شکل و تغییر محل کار و رفتن به شهری دیگر خودداری می کنند، به علت اینکه مکان تهیه منزل را در شهر دیگر ندارند. با وجود اینکه دارو و پزشک وجود دارد مردم شوروی در اغلب موارد بدون دادن رشوه با مشکلات عدیده روبرو خواهند شد. مردم شوروی برای رفتن به سینما، تئاتر، کنسرت و سایر برنامه های هنری ورزشی می بایست ساعتها صف بپندند تا بلیطی گیرشان بیاید.

سیستم سفارشات از بالا کا ملا رواج دارد. افراد طبقه اشرافی کافی است برای مشکل ترین و غیر معمولی ترین کار یک تلفن زده و یا سفارش کنند، بلا فاصله بر ایشان این کار می بایست انجام شود. Biat لفت معمول برای این قبیل کارهاست. اگر کسی Biat داشته باشد، می تواند بچه های را در دانشگاه های معروف و مشکل روسیه جا بدهد. در حالی که مردم معمولی می بایست سالها منتظر محل تحصیلی باشند و امتحانات مشکل بدهند. اغلب دانشگاهها برای قشر بالایی طبقه اشراف مورد استفاده است که رابطهای با سیاست و مسافرت به غرب داشته باشند. در رشته حقوق و دانشکده روابط خارجی مطبعتی هستند که بچه های اشراف با علاقه در آن تحصیل می کنند. چنانچه نور چشمیها استعداد تحصیل نداشته باشند مشکلی نیست. تلفن پدر جان حل می کند. جالبترین مثال، مثال پسر وزیر داخله روسیه است. معروف بوده است که او در ویلای پدر هر شب بساط عیش و عشرت داشته است و با مرشدس بنز نیز به مدرسه می آمده است و معلمان مدرسه به او همواره نمره عالی می دادند. او در انگلیسی الف را از ب تشخیص نمی داد ولی به او عالی ترین نمره ها را دادند و یک بورس هم بخل دستش که برای تکمیل معلومات انگلیسی خود به سفارت روسیه در استرالیا برود.

اگر معلمانی در دادن نمره عالی به نور چشمان طبقه اشراف کوتاهی کنند، بوسیله Biat نور چشمی توبیخ یا اخراج می شوند.

خلقه های شوروی می دانند که طبقه اشراف جدید چگونه زندگی می کنند، ولی اشرافیان سعی می کنند طوری زندگی کنند که جلب توجه دیگران را نکنند. ویلاهای آنها اغلب در نقاطی است که اجازه رفت و آمد به کسی داده نمی شود، اغلب پلیسی سر این خیابانها ایستاده و مواظب است که کسی وارد آنجا نشود. مغازه های ویژه و بیمارستانها، کلوپها، هتلها همواره طوری ساخته می شوند که جلب توجه کسی را نکنند. بر سر در آنها علامتی و یا تابلویی نیست.

شوفرها و مستخدمین اشراف می بایست تضمین بدهند که درباره زندگی پر تجمل آنها در خارج صحبت نکنند. پدر و مادران سعی می کنند بچه هایشان با هم طبقه های خود بازی کنند که مبادا دیگران در این باره چیزی دستگیرشان شود. از جمعیت ۲۵ میلیون نفری شوروی می توان گفت که در صد نا چیزی دارای این امتیازات ویژه طبقاتی هستند. بقیه کسانی که می خواهند باین امتیازات دست یابند، می بایستی سبیل ماهوزین را چرب کنند. با نفوذترین افراد این طبقه اشرافی جدید، سران حزب و دولت روسیه یعنی اعضاء و کاندیداهای کمیته مرکزی و افراد نزدیک به کمیته مرکزی، کارمندان عالی رتبه دولتی، یعنی ژنرالهای ارتش، روسای کارخانجات دولتی و نزدیکان آنها و هنرمندان مشهور هستند، بقیه افراد این طبقه دارای امتیازات کمتری بوده و سعی می کنند قدم در جای پای سران طبقه بگذارند. اقشار پائین این طبقه اشرافیت کارگری را مهندسين، تکنسینها و روسای محلی سندیکاها و غیره تشکیل می دهند.

در هر جاهای که عدالت اجتماعی موجود است، میزان حقوق و درآمدها، بر اساس میزان کاری است که هر شخص انجام می دهد. دار و دسته خروشچف، یا لگد مال کردن این اصل، نه فقط در راه کم کردن اختلاف درآمدها اقدامی نکرده، بلکه آن را آنقدر زیاد نموده که امروز در شوروی کسانی هستند که تا صد برابر حقوق یک کارگر ساده، حقوق می گیرند. در شوروی امروز کسانی هستند که از راه دزدی و دلالی تا هزاران برابر دستمزد یک کارگر، پول به جیب می زنند و کسانی مانند برژنف هستند که ثروت عظیمی اندوخته اند.

(فصلی از کتاب " همسایه شمالی، گرگی در لباس میش ")

رویدادهای جهان



مقاله پراودا

امپریالیسم روسیه مطبوعات ایران را تهدید میکند

" پراودا " ارگان حزب باصطلاح کمونیست شوروی، در چهارشنبه گذشته حمله مرتجعانه ای رابه مطبوعات و رادیو تلویزیون ایران، آغاز نمود. ارگان تزارهای نوین کرملین نشین، مطبوعات و رسانه های گروهی ما را متهم به جعل و گزارش اخبار نادرست درباره حوادث افغانستان و روابط این کشور با ابر قدرت روس کرد. " پراودا " علاوه بر درج این مطلب کدرسانه های گروهی ایران "فرضیه های افترا آمیز" درباره نظریات رژیم تره کی در مورد " نابود کردن اسلام " در افغانستان منتشر می کنند، منکر شد که حکومت کنونی افغانستان تنها با کمک سر نیزه های روسی استوار است.

پراودا همچنین اضافه کرد که "مهمترین منابع خبری مطبوعات ایران مهاجران مرتجع افغانی هستند که به خاک ایران گریخته اند" و زیر پوشش دفاع از اسلام، " درحقیقت به کمک ارتجاع و امپریالیسم از رژیم فئودال و غنائم از دست رفته دفاع میکنند.

در آخر هم وقاحت را بجایی رساند که نوشت: "موضع گیری صدفغانی و ضد روسی بعضی از ارگان های اطلاعاتی و رسانه های گروهی در ایران با اطمینان هایی که مقام های رسمی ایران درباره عدم دخالت در امور کشورهای همسایه و تمایلش برای تحکیم دوستی میان ایران و شوروی میدهند مطابقت ندارد".

آنچه را که " پراودا " نوشته می توان در دو نکته خلاصه کرد.

- ۱) مطبوعات و رسانه های گروهی ایران در مورد افغانستان دروغ می نویسند.
 - ۲) افشاگری آنها دخالت در امور داخلی افغانستان است.
- عبارت دیگر " پراودا " میگوید که مطبوعات و رسانه های گروهی ایران نباید جنایات سوسیال امپریالیسم شوروی را در افغانستان افشاء نمایند و همچنین دفاع از خلقهای مبارز افغانستان را نیز رهاکنند. واقعیت اینست که مطبوعات وابسته به ابر قدرت شوروی، یعنی آندسته از مطبوعاتی که یا مستقیماً توسط دارو دسته کیانپوری منتشر می شوند و یا این سرسپردگان در آن نفوذ نموده اند به جعل اخبار میپردازند.

زیرا آنها نه تنها هیچگونه خبری در مورد مبارزات وسیع مردم افغانستان بر علیه رژیم تره کی و ارباب روسی اش نمی نویسند بلکه مرتباً " در مورد باصطلاح بهبود وضع زندگی مردم سخن رانده اند که حقیقت نداشته و کذب محض است.

امروز بیش از دویست هزار نفر از مردم زحمتکش و ستمدیده افغانستان مجبور شده اند بخاطر فرار از جهنمی که رژیم وابسته تره کی و مستشاران روسی از طریق بمبارانهای وسیع، قتل و غارت دستجمعی و ... در کشورشان ایجاد کرده اند، بخارج از کشور بگریزند. سازمانهای مبارز افغانستان نیز نه تنها مبارزه مسلحانه را در درون کشور بجلو میبرند و تا کنون بخشهای وسیعی از کشور را آزاد ساخته اند، بلکه در خارج از کشور نیز به افشاگری و توضیح وضع درون کشور میپردازند، درست همانگونه که در سالهای ترور و خفقان حاکم در ایران سازمانهای مبارز و انقلابی چه در داخل مبارزه می کردند و چه در خارج از کشور به افشاگری بر علیه جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم جلااد شاه میپرداختند و تنها منابع موثق نیز همین سازمانها بودند و نه گزارشات ابر قدرت آمریکا و سخنگویان رژیم وطن فروش شاه.

و اما آیا این افشاگری مطبوعات ایران بمعنای دخالت در امور داخلی افغانستان است؟ این چرندیات را تنها می توان در زراد خانه تبلیغاتی ابر قدرتها پیدا نمود. اگر به آن گوش دهیم باید از هیچ مبارزه انقلابی و خلقی پشتیبانی نکنیم و حامی امپریالیستها و رژیم های جنایتکار و وابسته به آنها باشیم.

البتد این حمله " پراودا " یک جنبه دیگر نیز دارد، آنهم دخالت امپریالیسم روسیه در امور داخلی ایران است. آنها بی شرمانه برای دولت ایران تکلیف تعیین می کنند که باید جلوی افشاگری های ضد امپریالیسم روس در مطبوعات و رسانه های گروهی ایران را بگیرد. این حرکت آنها معنی دیگری جز قدم اول برای سلطه جویی بر ایران و خفه کردن افشاگری علیه امپریالیسم روس توسط مطبوعات ما نیست.

لازمست که دولت ایران و بخصوص وزارت امور خارجه، پاسخی به این عمل مداخله جویانه تزارهای نوین کرملین نشین بدهد تا درسی باشد برای آنها، چه در غیر

کشور خود اخراج خواهد کرد. مشاهده کشتی های جنگی شوروی در آبهای جنوبی ژاپن

* آسوشیتدپرس - ۲۹ مرداد - وزارت دفاع ژاپن اعلام داشت، ناوگان شوروی که شامل پنج کشتی است و بسوی شمال دریائی واقع در میان جنوبی ترین جزیره ژاپن و کره جنوبی در حال حرکت است امروز مشاهده شده است. یک مقام رسمی وزارت دفاع ژاپن گفت، این کشتی ها پس از انجام وظایف خود در اقیانوس هند، در حال بازگشت بسوی ناوگان اتحاد شوروی در اقیانوس هستند. وی افزود، پنج کشتی مذکور روز چهار دهم ماه دسامبر در تنگه "توشیما" دیده شده اند. یک ناوگان دیگر شوروی نیز که در حال حرکت بطرف جنوب تنگه "توشیما" بود، روز دهم ماه ژوئیه دیده شده است.

شوروی ساختن اولین ناو هواپیما بر اتمی خود را آغاز کرد

یونایتدپرس - ۳۰ مرداد مجله اویشن ویک چاپ واشنگتن گزارش داد، کارشناسان اطلاعات آمریکا علائمی کشف کرده اند که اتحاد شوروی عملیات ساختن اولین ناو هواپیما بر اتمی خود را شروع کرده است. یک سخنگوی نیسروی دریایی آمریکا گفت، از نوشته های شورویها چنین بر می آید که آنها قدرت ساختن چنین ناوی را دارند. مقامات آمریکائی معتقدند، شورویها در نظر دارند هشت هواپیما بر اتمی از نوع هواپیما بر "کیف" تولید کنند. ناو هواپیما بر کیف یک ناو ضد زیر دریایی است که میتواند چندین هواپیما را حمل کند.

هفته نامه
رنجبر
ارگان مرکزی سازمان انقلابی
مدیر مسئول - علی حجت
سر دبیر - فرامرز وزیري
نشانی - تهران، خیابان مصدق
پا شین تر از امیر اکرم، کسوی
گودرز - شماره ۱۶
تلفن - ۶۶۰۵۱۹
نشانی پستی - تهران، صندوق
پستی ۱۴۰۱ - ۲۱۴
چاپ سکه

امری است طولانی و صبر و جوسله کافی را

توجه به اتحاد بزرگ ملی تصفیه مطبوعات

ما در گذشته طی مقالاتی نشان دادیم که وجود طبقات و اقشار متفاوت خلق و وجود عقاید و ایدئولوژی‌های متفاوت خلقی یک واقعیت عینی جامعه ماست. همچنین نشان دادیم که این طیف وسیع نظرات و ایدئولوژی‌های خلق به طور عمده متعلق به سه جریان بزرگ اجتماعی: اسلام مبارز، ناسیونالیسم مترقی و سوسیالیسم انقلابی است که هر کدام با تمام فراز و نشیب‌ها در طول یک قرن مبارزات ضد امپریالیستی میهن ما کوشیده‌اند و خون داده‌اند.

تمايز گذاشتن بين ضد انقلاب و منحرفين

ضد انقلاب را در جامعه مامشتی اندک تشکیل می‌دهند. ضد انقلاب شامل عناصر و محافلی می‌شود که آگاهانه در خدمت امپریالیسم و مخصوصاً در خدمت دو ابر قدرت خونخوار آمریکا و شوروی به عنوان دشمنان اصلی خلقهای جهان، هستند. باید بین این ضد انقلابیون و گروههایی که به دلیل انحرافاتشان این‌جا و آنجا موازات یا آن ابر قدرت حرکت می‌کنند، تفاوت قائل شد. با ضد انقلاب به عنوان مرکز توطئه‌های ضد ملی و ضد خلقی باید قاطع و خصمانه برخورد نمود و سیاست طرد و سرکوب رادر پیش گرفت. با منحرفین و توده‌های نا آگاه تحت تأثیر آنان باید شیوه توضیحی و افشاگری و آگاه نمودن آنها را در پیش گرفت. کار آموزش سیاسی و برخورد به اشتباهات

امری است طولانی و صبر و حوصله کافی را می‌طلبد. تنها از این طریق است که می‌توان توده‌های بسیاری را که بالقوه در خدمت انقلاب قرار خواهند گرفت جلب نمود و ضد انقلاب را رسوا و منفرد ساخت. وگرنه سوزاندن تر و خشک تحت عنوان برخورد با ضد انقلاب به گنجی اوضاع و هرج و مرج می‌افزاید.

توجه عمده به مبارزه سیاسی و مشی توده‌ای

صرف نظر از آنکه شیوه برخورد خصمانه آنهایی که انحراف سیاسی دارند نا درست است، حتی در برخورد به ضد انقلاب نیز باید به مبارزه افشاء گرانه سیاسی و آموزش توده‌ها توجه جدی نمود. ضد انقلاب یک اداره یا یک نشریه نیست که با تعطیل آن بر طبق قانون یا دستور بتوان به کارش خاتمه داد. حتی در مواقعی که همه دلائل و شواهد نشان می‌دهد که باید در فلان مورد و سیاست بهمان نقطه دست به یک برخورد قاطع زد مثلاً نشریه‌ای را بست و عده‌ای را دستگیر و محاکمه نمود، باز هم در موازات این امر باید توجه عمده را به افشاگری سیاسی و آموزش توده‌ها نمود. توده‌ها باید بدانند که چرا فلان نشریه ضد انقلابی است، یا چرا بهمنیان فعالیت بر علیه مصالح خلق است. در غیر این صورت تنها بستن یک نشریه که شاید دهها هزار خواننده هم داشته است، ممکن است حتی به گردانندگان اخلاکگر و وابسته آنها حقانیت بیشتری بدهد. بعلاوه مخربین می‌توانند به اشکال دیگری دست به فعالیت بزنند و هنوز توده‌ها را بفریبند. در حالی که توده‌ها می‌توانند با بسیج و آموزش سیاسی ضد انقلاب را در هر لباسی بشناسند و فعالیت‌هایش را خنثی سازند.

وزارت امور خارجه، پاسخی به این عمل مداخله جویانه تزارهای نوین کرملین نشین بدهد تا درسی باشد برای آنها. چه در غیر اینصورت ابر قدرت روس جری تر از پیش گام‌های دیگری در زمینه دخالت در امور داخلی کشور ما بر خواهند داشت.

دو ابر قدرت

مانور ناوگان هفتم آمریکا در جزیره اوکیناوا

خبرگزاری فرانسه - ۲۷ مرداد - امروز اطلاع رسید که ناوگان هفتم آمریکا و یک واحد نیروی دریایی این کشور، از باهاماد امروز در جزایر اوکیناوا، مانور "فورتس گیل" را آغاز کرده‌اند. در این مانور که دو هفته طول خواهد کشید، ۲۶ ناو جنگی، در حدود ۲۸۰ فرزند هواپیما و ۴۰ هزار سرباز شرکت دارند. ناظران معتقدند که این مانورها پاسخی به فعالیت‌های نظامی شوروی در اقیانوس آرام بویژه ناو هواپیمابر "مینسک" است.

سیادت دریایی شوروی

بنا بر گزارش یونایتد پرسیس در هفته گذشته کاپیتان جان مور هافسبرجسته نیروی دریایی بریتانیا به غرب هشدار داده است که شوروی با گسترش نیروی دریایی خود و اعزام زیردریایی و رزمناو به معابر و تنگه‌های بین‌المللی از جمله خلیج فارس، دماغه امید نیک، مدیترانه، باب برینگ، تنگه مالاکا و سراسر اقیانوس‌های هند و اطلس و آرام هر آن که بخواهد میتواند رشته حیات اقتصاد غرب را قطع کند و این در حالیست که ناوگان آمریکا رویه تحلیل گذاشته است و ۹۷۶ ناو این کشور تا پایان قرن جاری به ۴۰۰ ناو کاهش خواهد یافت و سیادت دریایی از دست غرب خارج خواهد شد.

شوروی ستازگی یک ناو هواپیما بردیگر و چند کشتی رزم ناو به ناوگان جنگی خویش وارد کرده است. اخراج دو دیپلمات شوروی از کاستاریکا

خبرگزاری فرانسه - ۲۹ مرداد دولت کاستاریکا تصمیم گرفت دو دیپلمات شوروی را به اتهام نقض اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، از کشور خود اخراج کند. برزیدنت "رودریگو - کارازو" طی یک پیام تلویزیونی اعلام کرد، کاستاریکا دبیر اول و وابسته فرهنگی سفارت شوروی را از

اوضاع حساس...

و این راه مثبت خواهد بود. حتی در سطح نشریات هم اگر چه در سابق حالت منزوی داشت هم اکنون با تغییرات شرایط آن خط مشی تغییر خواهد کرد، زیرا خط مشی مرتب حفظ یختگی خود را خواهد یافت و معتقد هستیم که در آینده هم همین نشریات خوبتر و پخته تر خواهد شد. ما معتقدیم مسئله خلق سلاح مردم نیست زیرا هم اکنون سلاح در دست افرادی نا باب است که باید جمع آوری گردد. منتها در مورد ترکمن به آنها اسلحه‌ای ندادند که جمع آوری کنند. در هر حال اسلحه در دست مردم نا آگاه خطرناک است که باید پس بدهند.

در هر حال تا زمانی که مسئله زمین دهقانان حل نگردد نا آرامی در این منطقه وجود خواهد داشت و حتی در مورد محصول پنبه هم خطر وجود دارد و روشن است که ضد انقلاب می‌خواهد سوء استفاده بکند.

بعد از صحبت با آقای آخوند ارزانش پای صحبت مسئول سپاه پاسداران گنبد نشستیم.

ایشان هم مهاجرت به مرزها را تأیید می‌کرد منتها می‌گفت وحشت آنها موردی ندارد زیرا چنانچه در این منطقه درگیری بوجود آید فقط شامل گنبد نمی‌شود بلکه شامل همه منطقه‌ها می‌شود. و این حساسی شامل مرز نشینها خواهد بود و از طرف دیگر می‌گفت هم اکنون مرزها پاسدار دارند و کاملاً بسته است و پاسگاههای ایران در مرز تقویت می‌شوند.

ما مطمئنیم دولت ملی و خلق ترکمن در برابر توطئه‌های ضد انقلابیون وابسته به دو ابر قدرت هوشیارند و اجازه نخواهند داد مشتکی بیگانه پرست وابسته به آمریکا و روس میان خلق ترکمن و دولت ملی درگیری بوجود آورند. در این اوضاع حساس کشور، باید پیش از پیش زوی وحدت خلق ترکمن با جمهوری اسلامی و دولت ملی پا فشاری کرد و تمام خط‌نشی‌های چپ نما و انحرافی را طرد نمود.

شخصی از دور دست سفارش داده و به وسیله جویهای آب، از جنگلهای دور برای یلارش آب شیرین تهیه می کند. بعضی از این ویلاها دولتی هستند برخی دیگر از این ویلاها را خود افراد با نفوذ تهیه می کنند معمولاً اشراف جدید روسیه یک ویلا در شیر و یک ویلا در بیلاق دارند که بر حسب نفوذ و وضعیت آنها بزرگ، کوچک، پر تجمل و کم تجمل می باشند. صرف نظر از ویلاهای شخصی و دولتی، تزارهای نوین شرایطی را بوجود آورده اند که سردمداران حزب و دولت شوروی دارای هتلهای خصوصی نیز می باشند. بدین معنا که هتلی مخصوص این آقایان و بانوان وجود دارد که غریبه را بدان راه نمی دهند. آنها حتی دارای دهکده های مخصوص برای استراحت در نقاط مختلف روسیه می باشند که مردم شوروی را بدانها راهی نیست.

طبقه اشراف جدید روسیه برای خویش بیمارستانهای مخصوص نیز دارد که در آنها بقیه در صفحه ۷

راه پیمائی یادبود فاجعه سینمارکس

بازرگان و رئیس دادگاه اسلامی ایران رسیدم و از آنها خواستم که پاسخگوی خواسته های ما باشند. آقای سازش گفت چوادر داسرای انقلاب اسلامی آبادان پرونده سینمارکس را به فراموشی سپرده اند یکی از روزها برای پیگیری این پرونده به دادسرا رفته ام از صبح تا ساعت دو آنجا بودم آنوقت آقای زرگر می گوید من بیشتر از پنج دقیقه فرصت برای صحبت کردن راجب این پرونده ندارم.

درخاتمه از دولت خواستار شد که دادگاه انقلابی در آبادان برای این پرونده تشکیل شود و محکومین به وسیله بازماندگان شهدا تیرباران شوند.

پس از سخنرانی آقای سازش حجت الاسلام آقای جمعی سخنرانی خود را ایراد کرد ایشان ضمن تسلیت به بازماندگان گفت امروز ۲۸ مرداد نه فقط یادآور شهدای سینمارکس آبادان بلکه یادآور شهدای بیشمار از کودتای ننگین ۲۸ مرداد است که ما شاهد از دست دادن هزاران جوان میهن پرست که نمی خواستند زیر بار یوغ استبداد باشند بودیم.

بعد از آن قطعنامه خوانده شد و قرار شد سوگواران بعد از ظهر آن روز به مزار شهدای سینمارکس بروند و در آنجا از شهدای خویش تجلیل کنند.

ما از مسئولین دادسرای انقلاب خوزستان می خواهیم هر چه سریعتر مسئله سینمارکس را پیگیری کرده و مسببین آنرا مجازات برسانند.

در روز ۲۸ مرداد مصادف با روز فاجعه سینما رکس آبادان راه پیمائی بزرگی در شهر آبادان بر پا شد.

در این راه پیمائی کارگران خبازیه های آبادان به یاد شهدای سینما رکس این روز را تعطیل اعلام کردند و از جلو سندیگ برای پیوستن به دیگران با "شعار فاجعه آبادان ستون انقلاب است" به حرکت خود ادامه دادند.

شعارهایی که کارگران همراه داشتند عبارت بودند از: مرگ بر امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت - خون شهدای سینما رکس، استبداد دوران را به زانو در آورد.

راه پیمایان به نزدیک سینما رکس که رسیدند دسته گل های سرخ خود را نثار شهدا کردند البته در میان راه از طرف برخی از اداره کنندگان شعارهای نادرستی داده می شد که یکی از این شعارها: اسلام پیروز است که ونیسم نابود است، بود که البته این شعار آن چنان نگرفت و بلافاصله شعار را عوض کردند.

تعداد راه پیمایان حدود ده هزار نفر بود و به استاد یوم تختی رفتند.

در این موقع یکنفر به نمایندگی از طرف بازماندگان شهدا سخنرانی کرد و از دولت بازرگان مصرانه خواست که عاملین سینمارکس باید محاکمه و اعدام شوند.

بعد از آن آقای سازش یکی دیگر از بازماندگان شهدا گفت یک سال از فاجعه دردناک آبادان گذشت در این یکسال من به نمایندگی از طرف بازماندگان شهدا چندین بار به تهران به حضور امام و آقای مهندس مهدی

افغانستان دارای بزرگترین منبع گاز می باشد روسها بوسیله لوله های عظیمی این شویات زیر زمینی خلق را که باید به مصرف مردم و

حزب دمکرات توطئه های ضد انقلابی

رهبری حزب دمکرات کردستان پس از چند ماه دروغگوئی و تزویر سیاسی، با بلند کردن پرچم قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و دولت ملی، چهره واقعی خود را نشان داد و یک راست راه ضد انقلاب را در پیش گرفت.

گفتیم دروغگوئی و تزویر سیاسی، چه تمام حرفهای رهبری خائن این حزب در مورد حمایت از دولت و امام کلا "پردهای بود برای پوشاندن توطئه کنونی شان علیه انقلاب و این توطئه و برنامه از مدت ها قبل ریخته شده بود.

طبق اطلاعاتی که به دست ما رسیده است، در روزهای پس از انقلاب پیروزمند بهمن ماه، جلسه ای در برلن شرقی (آلمان شرقی) با شرکت عبدالرحمن قاسم (رهبر حزب دمکرات کردستان ایران)، صلاح بدز و نماینده های حزب کارگران کردستان ترکیه (حزب کردی وابسته به امپریالیسم روس در مناطق کرد نشین ترکیه)، برگزار گردید.

در این جلسه که تحت نظارت و حمایت امپریالیستهای روسیه در آلمان شرقی بر پا شده بود این عده تصمیم گرفتند که از انقلاب اسلامی و امام خمینی به طور مصلحتی موقتا پشتیبانی کنند و در کنار آن شعار خود مختاری را مطرح نمایند و در طی این مدت زیر پوشش وحدت با دولت مرکزی به سازماندهی نیروهای خود در کردستان ایران پرداخته و در زمان مناسب به مقابله با دولت مرکزی ایران بر خیزند.

امپریالیستهای روسیه از طریق این سازمانهای وابسته در مناطق کرد نشین خاور میانه و ایران اقدام می کنند و دست به تحریک بر علیه دولت مرکزی ایران می زند تا سیاستهای خود را بر دولت ایران تحمیل نماید.

اطلاعات فوق بار دیگر اخلالگری ابر قدرت روسیه در ایران و وابستگی حزب دمکرات را به این امپریالیست نو خاسته نشان می دهد.

جنبش ملی خلقی کرد تنها با طرد این مزدوران بیگانه پرست با یا فشاری برای بقیه در صفحه ۲

اوضاع حساس در

ترکمن صحرا

می شود دولت باید با یک سیاست درست و قاطع و بدون تعلل با یک برنامه دقیق و حساب شده مانع تحریکات ضد انقلاب و مالکین بزرگ ارضی شود.

بستن مرز با روسیه و کنترل دقیق آن به خاطر جلوگیری از توطئه های امپریالیسم روسیه مسئله دیگری است که دولت و ارتش باید بدان توجه کافی مبذول دارند.

با توجه به اوضاع کنونی گنبد خیرنگار ما گزارشی تهیه کرده که در زیر می خوانیم: بر خلاف آنچه که قبلاً "شایع شده بود که در روز سوم شهریور در گنبد درگیری پیش خواهد آمد، شهر بسیار آرام است کلیه مغازه ها و ادارها باز است و روال عادی خود را دارد منتها در شهر گمکان همچنان در روزهای گذشته شایعات باقی و دهان به دهان می گردد.

به منظور آشنائی بیشتر با اوضاع گنبد، ما نزد آقای آخوند ارزانش رهبر ملی و مذهبی خلق ترکمن رفتیم تا درباره ی آنچه در شهر می گذرد با نظرات ایشان هم آشنا گردیم. ایشان می گفت کلیه این شایعات از بقیه در صفحه ۴

به دنبال درگیری های با و فعال شدن ضد انقلاب وابسته به بیگانه در کردستان، احتمال بروز تحریکات و توطئه های ضد انقلاب در مناطقی اقلیت های ملی تقویت شده است. در چنین شرایطی باید توجه داشت که عدم هوشیاری کافی و نداشتن یک سیاست درست و اصولی می تواند منجر به ایجاد زمینه مساعد برای گسترش دامنه فعالیت عوامل ضد انقلابی وابسته به دوا بر قدرت در این مناطق گردد.

ترکمن صحرا به ویژه با توجه به دیگر بیهوشیهای فروردین ماه در گنبد و فعال بودن عناصر ضد انقلابی وابسته و زمین داران بزرگ همچنین امکانات مناسب امپریالیسم روسیه برای تحریکات در این منطقه، دارای حساسیت زیادی است.

مسئله زمین و حل آن به نفع دهقانان که سالیان دراز در این منطقه مورد فشار آزار و استعمار مالکین بزرگ ارضی و دربار پهلوی قرار گرفته اند، مهمترین مسئله ایست که دولت برای تسهیل در اوضاع و جلوگیری از تشنج و بحران در منطقه باید بدان توجه کند. بخصوص اینکه که فصل برداشت پنبه نزدیک

نهضت آزادی

نهضت آزادی ایران در تاریخ ۱۳ مرداد، در مورد حوادث اخیر ایران و خصوصاً تهران بیانیهای انتشار داد که می توان آن را در سه نکته خلاصه کرد:

(۱) انقلاب ایران در خطر تفرقه و خشونت قرار گرفته است و عواقب آن جز تبدیل مبارزات سیاسی مکتبی به مبارزات خشن و اغتشاش نیست. بیانییه پس از ذکر این نکته که از این تفرقه و خشونت کسی جز دزدان و غارتگران داخلی و خارجی و استعمار و استبداد نوین بهره نمیرد، سه گروه را مقصر تفرقه و خشونت میداند.

* عده ای که با مقاصد مختلف و نیت صریح ضد انقلاب و ضد ایرانی و اسلامی عمل می کنند. بقیه در صفحه ۵

اعلامیه مجاهدین انقلاب اسلامی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در اطلاعیه ای که به مناسبت روز عید فطر منتشر ساخت پس از بر شماری مصائبی که بخاطر حاکمیت طولانی استعمارگران و سلسله جنایت کار پهلوی بر ملت ایران رفته است، خواستار امر تصفیه عناصر توطئه گر و ضد انقلابی در سراسر کشور، همچنین پاکسازی همه ارگانها و مراکز از مخالفان انقلاب اسلامی و مشی امام خمینی شده و مردم را دعوای به هشیاری در مقابل ضد انقلاب نمود.

این سازمان در آخر اطلاعیه خود چنین می نویسد: "مسلم است که راه حل نظامی تنها یک عکس العمل اجباری برای برداشتن سدها بقیه در صفحه ۴